

با پیامبر ﷺ در حج

مؤلف:

سید جمال الدین هروی

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده
است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

تقریظ.....	۵
پیشگفتار.....	۶
یادآوری.....	۱۱
فصل نخست احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار.....	۱۳
۱- توحید و یگانگی پروردگار.....	۱۳
۲- تعظیم شعائر الله.....	۱۶
۳- اظهار برائت از مشرکین و مخالفت با آنها.....	۲۲
۴- کثرت مناجات و دعاء.....	۲۷
۵- رعایت حدود الله.....	۳۰
۶- خشوع و آرامش.....	۳۲
۷- انجام کارهای خیر.....	۳۵
۸- توازن و اعتدال.....	۳۸
۹- زهد و بی رغبتی در دنیا.....	۳۹

فصل دوم احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب..... ۴۵

- ۱- آموزش مناسک حج برای آنها ۴۶
- ۲- مأمور نمودن ایشان به تهیه وسایل سفر قبل از بیرون شدن.. ۴۸
- ۳- تشویق آنها بر شرکت در مراسم حج ۴۸
- ۴- کمک خواستن از آنها در امور حج ۴۹
- ۵ - تشویق اهل بیت بر کارهای خیر و عام المنفعه..... ۵۰
- ۶- وقایه اهل از وقوع در فتنه ۵۱
- ۷- نهی از منکر ۵۴
- ۸- آسانی و سهولت ۵۴
- ۹- صبر و برد باری ۵۵
- ۱۰- همدردی با اهل و اقارب ۵۷
- ۱۱- احسان و نیکی با ایشان ۵۷

فصل سوم احوال پیامبر ﷺ در حج با امت ۶۱

- ۱- درس و تعلیم: ۶۱
- ۲- افتاء ۶۷
- بردباری آن حضرت در مقابل سؤال کنندگان..... ۷۰
- فتاوی پیامبر ﷺ در امور حج ۷۱
- و از جمله فتاوی آن حضرت در امور غیر حج ۷۱
- تنوع جوابدهی آن حضرت برای سؤال کنندگان ۷۲
- ۳- پند و اندرز ۷۴

- ۴- توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد)..... ۸۲
- ۵- وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف..... ۸۷
- ۶- فرماندهی کامیاب..... ۹۰
- و- صبر و شکیبائی..... ۱۰۲
- ز- رفق و نرمی..... ۱۰۳

فصل چهارم جوانب دیگری از قیادت آن حضرت در موسم حج

- ۱۰۷
- ۱- نظم و اداره..... ۱۰۷
- ۲- رعایت حقوق دیگران..... ۱۰۷
- ۳- تشویق گروههای داو طلب..... ۱۰۸
- ۴- ترک سرزنش خطاکار..... ۱۰۹
- ۵- محبت و مودت..... ۱۰۹
- ۶- متانت و زیبایی..... ۱۱۰
- خاتمه ۱۱۲
- فهرست بعضی از مراجع و مآخذ ۱۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الكتاب: عند الكريم من ابننا محمد وآل محمدين

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا أما بعد : فإني اطلعت على ما كتبه الأخ الكريم سيد جمال الدين الهسروي أحوال النبي ﷺ في الحج فوجدته كتابا مميذا يحمل معلومات مهمة وجيدة مفيدة للحجاج والزائرين ، وسرت غاية السرور لما أطلعتني عليه مترجما بغير العربية كي تعم الفائدة ، خصوصا وأن الأخ متمكن من اللغة العربية والعلوم الشرعية فهو موثوق من هذا الجانب ، زاد على ذلك حرصه على أن يعرض عمله على شيوخه ، ويستفيد من ملاحظاتهم وتوجيهاتهم أسأل الله لنا وله التوفيق والسداد.

وصلى الله وسلم على نبينا سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

كتبه

الدكتور/ عبد الكريم بن إبراهيم آل غصية الحسيني الهاشمي
مفتي المسجد النبوي



بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

الدكتور/ عبد الكريم بن إبراهيم آل غضيه مفتی حرم نبوی - مدینه منوره
اما بعد: از کتابی که برادر سید جمال الدین هروی در باره ی حج پیامبر خدا ﷺ
نوشته است مطلع شدم، آنرا کتابی متمیز یافتم که معلومات مهم و بسیار مفید را
برای حجاج و زائرین بیت الله الحرام در بردارد.
و آنگاه که دانستم این کتاب بخاطر استفاده بیشتر به غیر عربی (زبان فارسی) به
نشر می رسد بی نهایت خوشحال شدم و خصوصاً اینکه برادر به زبان عربی و علوم
اسلامی اطلاع کامل دارد و از این ناحیه مورد اطمینان است، به علاوه از آن
نوشته های خویش را خدمت علماء تقدیم کرده و از رهنمائی ها و توجیهات آنها
استفاده می کند.

از خداوند متعال برای خود و برای ایشان خواهان توفیق و استقامت هستم.
وصلی الله وسلّم علی نبینا و سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

نوشته:

دکتر عبد الکريم بن إبراهيم آل غضيه الحسینی الهاشمی

مفتی حرم نبوی - مدینه منوره

پیشگفتار

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله والصلاة والسلام على معلم البشرية ومنقذهم من الضلالة نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين ومن اقتفى أثره ونهج سبيله إلى يوم الدين.

خداوند متعال بندگان خود را به پیروی از پیامبر خویش امر کرده، و می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

«و هر چه پیامبر ﷺ برای شما (از احکام الهی) بدهد آنرا بگیرید و هر چه شما را از

آن منع کند باز ایستید و از خدا بترسید هر آینه عقوبت خدا سخت است».

و همین طور خداوند بزرگ پیامبرش را الگوی نیکو برای بندگان قرار داده، و

فرموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ ۖ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی شما را به پیامبر خدا پیروی نیک است برای کسی که به ثواب خدا و روز

آخرت توقع داشته باشد و خدا را بسیار یاد کند».

و ربّ العزت خبر میدهد که اطاعت از پیامبر رمز محبت با او تعالی می‌باشد:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ [آل عمران: ۳۱].

«(ای محمد) بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را برای شما بیامزد و خدا آمرزنده مهربان است.»
و خداوند واضح و مبرهن نموده که اطاعت از پیامبر جزء از اطاعت او می‌باشد
چنانچه می‌فرماید:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ ﴿٨٠﴾ [النساء: ۸۰].

«هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی گرداند
پس تو را برایشان نگهبان نفرستادیم.»
و برای کسی که از رسول خدا پیروی نماید و امر او را به جای آورد از جانب
خداوند ثواب بزرگی وعده داده شده است:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ ﴿٦٩﴾ [النساء: ۶۹].

«و هر که خدا و رسول را فرمان برد هم‌نشین کسانی خواهد بود که خدا بر ایشان
انعام کرده است از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، و آنها چه دوستان
خوبی هستند!».

و فریضه حج از مهمترین ارکان اسلام است که اتباع و اطاعت از رسول خدا ﷺ را
در آن بطور واضح مشاهده می‌نمائیم.

قابل یادآوری است که عده‌ای از علماء و دانشمندان اسلامی در عصرهای مختلف
جوانی از احکام حج، چگونگی صحت و بطلان مناسک، بعضی از اخطای حجاج و
... را در کتب و رسائل مستقل بیان کرده‌اند، و در تلاش خویش بخاطر پخش و نشر علم
و راهنمایی مسلمانان در مسائل متعلق به حج کامیاب و موفق بوده‌اند.

اما یک جانب احتیاج به عنایت و اهتمام بیشتر داشت و آن احوال و سیرت پیامبر ﷺ در حج بود که در زندگی شخصی روز مره، بر خورد با اهل و اقارب، رفتار با دوستان و صحابه کرام و بالآخره رهنمائی امت در خلال این سفر عظیم و تاریخی چه کارهایی انجام داده‌اند؟!.

با دانستن این امور و تطبیق آنها حکمت‌ها و مقاصد حج دانسته شده و قدمی بزرگ بسوی عبودیت بهتر برداشته خواهد شد.

و دیگر اینکه تعداد زیادی از مسلمانان از احوال و سیرت پیامبر ﷺ در موسم حج بی‌خبرند و فقط به دانستن بعضی احکام و مناسک اکتفا می‌کنند.

و همچنین موجودیت همسران رسول خدا و بسیاری از اهل و اقارب ایشان در این سفر که گوشه‌های از سیرت پاک آن حضرت را با همسران و خویشاوندان واضح می‌سازد بطوریکه پیش از این میسر نبوده از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است.

نکته مهم اینکه حج طبیعت خاص خود را دارد، و رسول خدا ﷺ در این سفر با افراد و گروه‌های مختلفی از مسلمانان ملاقات و دیدار نموده‌اند، که شاید برای بعضی از این افراد، اولین ملاقات با آنحضرت بوده که در جای خود اهمیت بسزای دارد.

و بالآخره اینکه از خلال مطالعه این کتاب معانی و مقاصدی واضح خواهد شد که از خلال کتاب‌های احکام و مسائل فقهی هرگز به ذهن نمی‌رسد.

این رساله همان طوری که از نام آن پیداست سفری مبارک و خاطرات زیبا و دلچسب با رسول خدا ﷺ در موسم حج است که از مصادر موثق حدیثی و از بین احادیث صحیح انتخاب شده است و گوشه‌هایی از احوال پیامبر ﷺ را درحج طوری واضح می‌گرداند که خواننده محترم شاید اینطور تصور نماید که قبل از این به هزار و چهار صد سال در حجة الوداع با رسول خدا همسفر است.

لحظه به لحظه از زمان حرکت از مدینه منوره، درانای سفر و بالآخره طواف کعبه معظمه و ایستادن به عرفات و بازگشت دوباره بسوی مدینه عبادت، قیادت و برخورد

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با اقشار مختلف اعم از اهل و اقارب، دوستان و صحابه کرام، زنان و مردان را مشاهده می‌نماید و لذت می‌برد که چگونه رسول خدا این توده‌های عظیم انسانی را سرپرستی و قیادت کرده‌اند.

و امروزه که از یک طرف اختلاف و تفرقه امت اسلامی را به ضعف و فلاکت نشانده و از جانب دیگر حرکت‌های ضد دینی (سیکولر، ماسونی و...) با اهداف و برنامه‌های دقیق بر پیکر امت اسلامی خنجر می‌زنند، بر دعوتگران و اصلاح‌گران مسلمان لازم است تا از حج، این کنگره جهانی اسلام استفاده بیشتر نمایند، برای حجاج درس محبت و وحدت و دوری از تفرقه و اختلاف داده، در ذهن‌های آنها مفهوم {امت اسلامی} و عروج دوباره این امت را ترسیخ نمایند تا هریک از حجاج که به موطن خویش باز می‌گردند، مناره نور و رمز وحدت در سرزمین‌های خویش باشند، تا باشد که ازین طریق گامی مهم در جهت رشد، شمولیت و جهانگیری افکار اسلامی بر داشته سیر هجومی و صعودی در مقابل حملات دشمن داشته باشیم و عملاً ثابت سازیم که افکار ضد اسلامی در مقابل ما یارای جوابدهی و رمقی برای دفاع از خویشتن ندارند.

و چونکه در باره نسک و احکام حج کتاب‌ها و رساله‌های زیادی نوشته شده، و همچنین مسائل حج خیلی وسیع‌تر از این نوشته می‌باشد، لهذا درین رساله احکام، مسائل و اختلاف‌های فقهی و مسلکی بررسی نشده است بلکه به هر آنچه که از رسول خدا درین سفر مبارک ثابت شده، اکتفا شده است. و بخاطر استفاده بهتر، موضوعات این کتاب به چهار بخش تقسیم شده است:

احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار.

احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل و اقارب.

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت.

جوانب دیگری از قیادت آن حضرت ﷺ در موسم حج.

از خداوند متعال ﷻ خواهانم چنانکه به فضل و کرم خویش توفیق طبع و نشر این کتاب را داد، آنرا کتاب مفید برای حجاج و معتمرین و توشه آخرت برای گرد آورنده بدارد.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سیدجمال الدین «هروی» دوازدهم ربیع الاول ۱۴۲۷ هـ مدینه منوره.

یادآوری

قابل یادآوری است که اباحت کتاب در دست داشته‌ی شما در واقع مأخوذ از کتاب (احوال النبی فی الحج) تألیف علامه (البعدانی) می‌باشد و چون که بحد کافی در کتاب کمی و زیادی و تقدیم و تأخیر روا داشته ایم؛ لهذا مناسب ندانستم این کتاب را ترجمه «احوال النبی فی الحج» معرفی بدارم تا که خواننده نقصانات و کمی‌های این کتاب را به دوش علامه بعدانی نیندازد؛ بلکه هر آنچه از کمال و خوبی مشاهده شد از طرف خداوند بزرگ و آنچه از نقص دیده شد، امیدوارم که در اسرع وقت به اطلاع برسانید تا در چاپ‌های بعدی رفع گردد.

و ناگفته نباید گذاشت که سعی شده است در این کتاب فقط به احادیث صحیح استدلال شود و از آوردن احادیث جعلی و یا ضعیف به شدت اجتناب شده، و اگر در سند حدیثی بین محدثین اختلاف باشد، در پا ورقی تذکر داده شده است.

و چون که در طبعات و چاپ‌های کتب حدیث فرق می‌باشد، لهذا شماره حدیث ذکر شده است تا اگر خواننده محترم به کتب حدیث مراجعه نمود، دچار مشکل نشود.

و همینطور به تناسب حال کتاب گاهی به برخی مسائل عقیدوی، فقهی و تاریخی در پاورقی اشاره شده و ترجمه اعلام را نیز از کتب معتبر فن آورده‌ایم.

ترجمه آیه‌های قرآن مجید، با اندکی تصرف از ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی رحمته الله انتخاب شده است.

والسلام

فصل نخست

احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار

توحید و یگانگی پروردگار.

اظهار برائت از مشرکین

رعایت حدود الله

خشوع و آرامش

توازن و اعتدال

فصل نخست

احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار

پیوند وسیع با پروردگار و ارتباط قوی با ذات پاک او دارائی متّقیان و سرمایه نیکو کاران است.

و فریضه حج از مهم‌ترین پرورشگاه‌های روحی و مراکز پرهیزگاری شمرده می‌شود که نفس‌های انسانی را باگردش در مقامات بندگی و منازل کرنش و انکسار در پیشگاه خدای پاک تربیت می‌نماید.

رسول خدا ﷺ در موسم حج با وجود مسئولیت‌های مختلف از قبیل راهنمائی، تعلیم و قیادت امت، سرپرستی همسران خویش و رعایت حال آنها و بقیه اهل بیت کمال بندگی و عبودیت در برابر پروردگار بزرگ را نیز بجای آوردند.

همه این مسئولیت‌ها بین آن حضرت و رابطه عمیقی که باخالقش داشت حائل واقع نشده و ایشان را از انکسار و خضوع کامل در مقابل ربّ الارباب بازداشته نمی‌توانست. و اگر جوانب تواضع و انکسار پیامبر در مقابل پروردگار را -در موسم حج- بر شمیریم موضوع به درازا می‌انجامد، لهذا به ذکر مهم‌ترین این جوانب اکتفا می‌نمائیم:

۱- توحید و یگانگی پروردگار

مسأله توحید از واضح‌ترین و مهم‌ترین قضایایی شمرده می‌شود که رسول خدا ﷺ در حج به آن تأکید کرده و اهمیت آن را بیان نموده‌اند و از بارزترین جوانبی که مسأله توحید در آن بوضوح بنظر می‌رسد مواردی را ذکر می‌کنیم:

الف - تلبیه:^۱ که شعار حج بوده، و متضمن افراد خدای لا شریک در ملک و عبادت است و پیامبر خدا بعد از نیت داخل شدن در حج تا وقت مشاهده خانه کعبه بطور مداوم تلبیه را تکرار می نمودند.

جابر ابن عبدالله انصاری رضی الله عنه کلمات تلبیه را از آن حضرت این طور نقل می کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالْتَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»^۲.

ب - اهتمام خاص پیامبر خدا ﷺ به اخلاص عمل: و دعای آن حضرت به حضور پروردگار که او را از ریاء و خود بینی به دور نگه دارد؛ چنانکه در حدیث انس رضی الله عنه آمده که پیامبر ﷺ در هنگام بستن احرام فرمود: «اللَّهُمَّ حِجَّةً لَا رِيَاءَ فِيهَا وَلَا سُعَةَ»^۳.
«ای بار خدا! توفیق حجبی را می خواهم که ریاء و شهرت در آن نباشد».

ج - خواندن سوره های اخلاص در دو رکعت طواف: امام ترمذی با سند صحیح روایت نموده که آن حضرت ﷺ سوره های اخلاص ﴿قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ - وَ- قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ را در دو رکعت طواف قرائت نمودند^۴.

د - تبلور جوانبی از توحید در نیایش آن حضرت بر بالای صفا و مروه: چنانکه جابر انصاری رضی الله عنه در حدیث طویلی حج ایشان را بطور مفصل بیان

۱ - مراد از تلبیه، گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...» است که شخص حاجی یا معتمر از زمان بستن احرام تا رؤیت کعبه مشرفه بطور مداوم و مستمر این جملات را تکرار می نماید.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰، حافظ ابن حجر اسناد این حدیث را در فتح الباری جلد ۳ صفحه: ۴۴۶ ضعیف گفته، و علامه ناصرالدین آلبنانی نظر به تمام طرق حدیث آنرا در

سلسلة الاحادیث الصحیحه حدیث شماره: ۲۶۱۷ صحیح قرار داده است.

۴ - جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۶۹.

می‌نماید: «... بعدا بر تپه "صفا" بالا رفت تا اینکه بیت الله را دید، رو به قبله نموده "الله" را به یگانگی یاد کرد و بزرگیش را بیان نمود و فرمود: هیچ معبودی جز خداوند یکتا شایسته عبادت نیست، پادشاهی و ستایش برای او است، و او بر هر چیز توانا می‌باشد. سه مرتبه این جملات و یا مشابه اینها را تکرار نمود پس از آن به "مروه" آمده و اعمال و دعاهایی را که به صفا انجام داده بود در مروه نیز تکرار نمود»^۱.

ه- نیایش توحیدی آن حضرت در عرفه، چنانکه در حدیث آمده: بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین دعای که من می‌گویم و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲ است.

با تأسف شدید امروزه هر بیننده متوجه جهل و نادانی می‌شود که دامنگیر مسلمانها شده است، و همچنین مشاهده می‌شود که انواع بدعت‌ها و خرافات حتی در مراسم بزرگ و جهانی حج در بین مردم به چشم می‌خورد.

بدیهی است که مسئولیت عظیم ارشاد و راهنمایی مسلمان‌ها بسوی اصل دین و حقیقت توحید که پیامبران به خاطر آن فرستاده شده‌اند و برحذر داشتن آنها از همه انواع و اقسام شرک و بدعت به دوش علماء و دعوتگران می‌باشد.

اهمیت مسأله توحید و تقدیم آن بر سایر ارکان عملی اسلام از سیرت پیامبر بزرگ اسلام است آنگاه که معاذ رضی الله عنه را بسوی "یمن" فرستاد برایش گفت: ایشان را به گواهی بر کلمه توحید (لا إله إلا الله) و براینکه من پیامبر خدا هستم دعوت بده، اگر این دعوت ترا پذیرفتند، آنها را بفهمان که خدای متعال در هر شبانه روز پنج نماز بر آنها فرض نموده است، و اگر این را نیز اطاعت کردند، به ایشان خبر بده که خدای

۱ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - جامع ترمذی: حدیث شماره: ۳۵۸۵.

بزرگ بر آنها صدقه در مالهایشان فرض گردانیده که از ثروتمندان شان گرفته شده به فقرای آنها تقسیم می‌شود.^۱

پس چه جالب و لایق است برای حجاج محترم که خود بر توحید استوار باشند و خویشان را داعی و حامل لوای توحید قرار دهند.

۲- تعظیم شعائر الله^۲

خداوند متعال بندگان را به بزرگداشت و تعظیم شعائر خویش و حفظ و احترام آنها تشویق نموده و آنرا رکن تقوی و شرط بندگی و راه رسیدن به ثواب و حصول خیر قرار داده و می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲]

«(حکم) اینست و هر کس که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم از تقوای دل‌هاست».

و در مقابل، خداوند متعال از استخفاف به شعائر دین و هتک حرمت آنها و نزدیک شدن به حدود الهی و ارتکاب اعمال غیر مشروع برحذر داشته و خصوصاً در باره خانه خویش می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلَمِ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

«و کسی که از روی ستم در آنجا کجروی خواهد، او را از عذاب دردناک می‌چشانیم».

۱ - صحیح بخاری: حدیث شماره: ۱۳۹۵.

۲ - شعائر جمع شعیره به معنای نشانه و علامه است. و مراد از شعائر الله نشانه‌ها و مواضع عبادت او تعالی می‌باشد. عطا که از تابعین مشهور است، می‌فرماید: شعائر الله تمام آن چیزهای است که خداوند متعال به آن امر نموده و یا از آن باز داشته است. حسن می‌فرماید: «هی دین الله کله». برای معلومات بیشتر به تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» از علامه قرطبی ۳/۲ مراجعه شود.

پیشوای پیامبران و سردار انسانها حضرت محمد ﷺ که سر خیل همه خاصان خدا و عارفان کلام الهی است، در حفظ حرمت و عظمت شعائر الله نیز قدوه نیک برای همه مسلمانها بوده‌اند.

و در مراسم حج تعظیم پیامبر به شعائر حج^۱، مراعات حدود، حفظ و احترام به آن در جوانب مختلف به نظر می‌رسد.

از آن جمله:

الف: غسل کردن برای احرام، تلبید سر^۲ و استعمال بهترین انواع عطر که آن حضرت در اختیار داشته‌اند:

چنانچه در حدیث زید ابن ثابت رضی الله عنه آمده که: «او پیامبر ﷺ را دید که به یکجانب رفت و برای احرام غسل نمودند»^۳.

عائشه صدیقہ رضی الله عنها می‌فرماید: آن حضرت را قبل از اینکه احرام ببندد، با بهترین انواع خوشبوئی که در دسترس داشتم خوشبو ساختم، تا اینکه درخشش و لمعان خوشبوئی را در سر و ریش مبارک آنحضرت مشاهده نمودم^۴.

ب: بردن شترها به همراه خویش از "ذو الحلیفه" برای قربانی: و شتر از جمله شعائر الله است.

۱ - مراد از شعائر حج، اعمال نسک و جاهای آن می‌باشد. نگاه: تحفة الأحوذی از علامه مبارکپوری ۵۰۹/۳.

۲ - در تلبید سر، مادهٔ چسپ ماندنی را به سر می‌زنند تا که موی سر جمع و یکجا شده و از نشر و پخش موی و یا اینکه در اثنای احرام در آن شپش پیدا شود، جلوگیری شود. نگاه: فتح الباری از حافظ ابن حجر ۴۰۰/۳.

۳ - جامع الترمذی حدیث شماره: ۸۳۰.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۹۲۳. برای تحقیق بیشتر به لسان العرب، ماده "وَبَسَّ" مراجعه شود.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالْبُذْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [الحج: ۳۶].

«و شتران (قربانی) را برای شما از شعائر الله گردانیده ایم».

و هم چنین اشعار^۱ و تقلید^۲ بعضی از شتران بدست مبارک خود چنانچه در حدیث عبدالله بن عباس رضی الله عنه آمده که گفت: پیامبر ﷺ نماز ظهر را در "ذو الحلیفه" خوانده، بعدا ماده شترش را طلب نمود و طرف راست کوهان آن را اشعار کرد تا که خون جاری شد و پس از آن دو نعل (کفش) را به گردن آن آویزان کرد^۳.

حافظ ابن کثیر رحمته الله می فرماید: حدیث فوق بر این امر دلالت می کند که پیامبر ﷺ اشعار و تقلید این شتر را خودش فرموده و اشعار و تقلید بقیه شترها را به اصحابش واگذار کرده است^۴.

و روایت دیگری این قول را تقویت می بخشد که: پیامبر ﷺ امر فرمود شترانی را که برای قربانی آورده اند از جانب راست کوهان اشعار نمایند^۵.
و هم چنین نهی فرمودن آن حضرت از سوار شدن مالهای قربانی مگر برای کسی که سواری دیگری پیدا نکند.

جابر ابن عبدالله رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر ﷺ برایش گفتند:

اگر مجبور شدی تا وقت یافتن سواری دیگری می توانی شترهای قربانی را سوار

۱ - مراد از اشعار شتر بریدن قسمتی از کوهان آن است تا که خون جاری شود و نشانه ای باشد که این شتر برای قربانی است.

۲ - تقلید: آویزان کردن قلاده "گردن بند" بر بالای کوهان و یا گردن شتر، تا که دانسته شود که این شتر بخاطر قربانی در مراسم حج برده می شود.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۴۳.

۴ - السیرة النبویة لابن کثیر: ۲۲۸/۴.

۵ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۶۰۹. صحیح ابن حبان، حدیث شماره: ۳۸۸۱.

شوی.^۱

ج: تلبیه مستمر از زمان شروع نسک تا وقت زدن «جمره عقبه» در روز قربانی (روز دهم): چنانکه در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده است که: پیامبر ﷺ تا وقت زدن جمره عقبه تلبیه می گفت.^۲

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: قسم به ذاتی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، من از منی تا عرفه با ایشان بودم، تلبیه را تا وقت زدن جمره عقبه ترک نکرد، مگر اینکه گاهی تهلیل و تکبیر نیز می گفت.^۳

و آن حضرت تلبیه را با صدای بلند می گفت حتی که صحابه کرام نیز می شنیدند، روایت ابن عمر رضی الله عنهما شاهد اینست که می فرماید: شنیدم که پیامبر خدا در حالی که بر سر مبارک خویش ماده چسپناکی زده بود با صدای بلند می گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...»^۴.

د: غسل نمودن آن حضرت قبل از داخل شدن به مکه مکرمه، تا گرد و غبار سفر را دور نموده باشد و با نظافت تمام وارد مکه شود و این از جمله تعظیم شعائر الله است، و آنگاه که به مسجد الحرام داخل شد اول به طواف خانه شروع نمود، چنانکه "نافع"^۵ روایت می کند هرگاه که ابن عمر رضی الله عنهما به مکه مکرمه می آمد، شب را در "ذو طوی" سپری می کرد، بعدا غسل نموده و در روز به مکه داخل می شد و

۱ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۳۲۴.

۲ - سنن ابن ماجه: حدیث شماره: ۳۰۴۰.

۳ - المستدرک للحاکم: ۴۶۱/۱، صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۸۰۶ با اسناد "حسن".

۴ - صحیح بخاری: حدیث شماره: ۵۹۱۵، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۴.

۵ - نافع از مشهورترین شاگردان عبدالله بن عمر می باشد، در سال ۱۱۷ هجری وفات یافت. و در اصطلاح محدثین، روایت امام مالک از نافع از عبدالله بن عمر به "سلسله طلائفی" حدیث شهرت دارد. نگا: تقریب التّهذیب از حافظ ابن حجر صفحه: ۶۲۵، راوی شماره: ۷۰۸۶.

می گفت: پیامبر ﷺ این کار را انجام داده اند.^۱

ه: در بغل گرفتن «حجر الأسود» و بوسیدن آن، گریه نمودن در آن لحظه و لمس کردن رکن یمانی:

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید که عمر فاروق رضی الله عنه «حجر الأسود» را گرفته و بوسید و گفت: من یقین کامل دارم که تو سنگ هستی (به کسی نفع و یا ضرر رسانیده نمی توانی) و اگر نمیدیدم که محبوب من (رسول الله ﷺ) تو را بوسیده و در بغل گرفته هرگز تو را نمی بوسیدم و در بغل نمی گرفتم.^۲

و: نماز خواندن آن حضرت پشت مقام ابراهیم، ابتدا نمودن سعی از «صفا» و ایستادن آن جناب بر صفا و بر مروه: که هم ذکر می نمود و هم دعاء می کرد. طوری که جابر انصاری رضی الله عنه روایت می کند: ... بعدا آن حضرت به مقام ابراهیم آمد و این آیه مبارکه را تلاوت فرمود:

﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [البقرة: ۱۲۵]. دو رکعت نماز بجای آورد در حالیکه مقام ابراهیم در بین پیامبر اکرم ﷺ و خانه کعبه قرار داشت ... پس از آن بطرف صفا آمد و چون بر صفا بالا رفت ﴿إِنَّ الْأَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۵۸]. را تلاوت نمود، بر بالای صفا قرار گرفت تا که خانه کعبه را خوب مشاهده کرد روی به قبله آورده، خدا را به یگانگی یاد نمود، تکبیر گفت و فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَجْزَرُ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدُهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ». بعدا دعا نمود و سه مرتبه این جملات را تکرار کرد.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۵۹.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۱، مسند احمد حدیث شماره: ۱۳۱ با اسناد جید و قوی.

پس از آن به طرف مروه پائین آمد و اعمالی را که بر صفا انجام داده بود، بر بالای مروه نیز انجام داد.^۱

ز: ایستادن دوام دار در مشعر الحرام: به تأسی از این فرمان پروردگار بزرگ:

﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

«پس چون از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، خدا را نزد مشعر الحرام (مزدلفه) یاد کنید و خدا را به شکر آنکه راه نموده است شما را یاد کنید و اگر چه پیش ازین از گمراهان بودید».

در این حال پیامبر ﷺ ذکر خدا را بجا می‌آورد و تضرع و زاری می‌نمود. جابر رضی الله عنه می‌فرماید: آنگاه که نماز فجر را خواند، «قصوا^۲» را سوار شد تا که به مشعر الحرام (مزدلفه) رسید، روی به قبله نموده از خدا دعا کرد و پروردگار را به بزرگی و یگانگی یاد نمود... و همانطور ایستاده بود تا که هوا روشن شد، و قبل از طلوع خورشید آنجا را ترک کرد.^۳

ح: بزرگداشتن زمان و مکان نسک: چنانکه در روز عید قربان فرمود: خونها و مال‌های تان بر شما حرام است مثل حرمت این روز، در این ماه و در این شهر شما^۴. و فرمود: بزرگترین روزها در نزد خداوند، روز عید قربان و روز بعد از آن می‌باشد.^۵

۱ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۱۸. جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۵۶.

۲ - قصواء، اسم ناقة آن حضرت ﷺ بوده است.

۳ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۶۵.

۳- اظهار برائت از مشرکین و مخالفت با آنها

اسلام و شرک هرگز با هم جمع شده نمی‌توانند، این دو مثل شب و روزاند که یکی از این دو بوجود آمده نمی‌تواند مگر به از بین رفتن دیگری.

و از این لحاظ اولین کاری را که مسلمانان بعد از بدست گرفتن قدرت در مکه انجام دادند از بین بردن مظاهر شرک و تخریب نشانه‌های بت پرستی بود، که شخص پیامبر خدا در این کار عجله نیز به خرج داده است.

آن حضرت بعد از فتح مکه وقتی که به مسجد الحرام دا خل شد، بت‌ها را با چوبدستی که داشت بر زمین انداخته و این آیه‌ها را تلاوت می‌فرمود:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [الإسراء: ۸۱].

«و بگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هر آینه باطل نابود شونده است».

﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ﴾ [سبا: ۴۹].

«بگو حق آمد و باطل نه کار تازه‌ای را می‌تواند انجام دهد، و نه کار گذشته‌ای را می‌تواند از سر بگیرد».

ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: پیامبر خدا وقتی که به مکه آمد به خانه کعبه تا وقتی که بت‌ها در آن بود داخل نشد، امر فرمود بت‌ها را بیرون آوردند بعدا داخل شد. و آنگاه که آیه مبارکه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ [التوبة: ۲۸].

«ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلیدند پس باید که بعد از این سال‌شان به مسجد حرام نزدیک نشوند».

نازل شد، ابوبکر صدیق رضی الله عنه را امر فرمود که برای مردم اعلان کند: بعد از امسال شخص مشرک اجازه شرکت در مراسم حج را ندارد.^۱

۱ - صحیح بخاری: حدیث شماره: ۳۶۹، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۴۷.

و هم چنین در سفر حج پیامبر خدا ﷺ در بسیاری از شعائر و احکام حج سعی بلیغ داشت که با مشرکین مخالفت نموده و بر نهج ابراهیم (علیه السلام) رفتار نماید.

در خطبه مشهور خویش در روز عرفه فرمود: آگاه باشید که همه قوانین زمانه جاهلیت زیر قدم‌های من می‌باشد، و خون‌های جاهلیت هدر است و اولین خونی را که از آنها می‌گذارم (هدر اعلان می‌کنم) خون "ربیعہ ابن الحارث" می‌باشد که در "بنو سعد" شیر می‌خورد^۱ و فردی از قبیله "هذیل" او را کشت، و سودهای زمانه جاهلیت هدر است و اولین سودی را که باطل اعلان می‌کنم، سود عباس ابن عبد المطلب است؛ همه اش گذاشته شده است.^۲

در مواقع زیادی از موسم حج مخالفت با مشرکین در کارنامه‌های پیامبر ﷺ به وضوح بنظر می‌رسد، از آن جمله:

الف- تلبیه: که مشرکین کلمات شرکی را در آن داخل نموده بودند و می‌گفتند: «... لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَمَا مَلَكَ».

پیامبر خدا این جمله شرکی را دور کرده و از آن بی‌زاری جست.^۳

ب- ایستادن آن حضرت با عامّه مردم در "عرفه": و مخالفت با کفار قریش که در «مزدلفه» ایستاد شده و می‌گفتند از زمین حرم خارج نمی‌شویم.^۴

ج- اجازه عمره برای عائشه (رضی الله عنها): در این کار نیز مخالفت با مشرکین صراحتاً بنظر می‌رسد چرا که مشرکین تا داخل شدن ماه "صفر"، بجا آوردن عمره را جائز نمی‌دانستند، طوری که از ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت شده که گفت: قسم به خدا

۱ - عرب را عادت بر این بود که اطفال خود را در هنگام شیر خوارگی به بادیه می‌فرستادند تا در هوای پاک و جوّ آزاد صحرا نشأت کرده و بر عادات اصیل عرب خوی بگیرند.

۲ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۱۸۵.

۴ - صحیح بخاری: حدیث شماره: ۱۶۶۵، صحیح مسلم حدیث شماره: ۱۲۱۹.

پیامبر برای عانشه در ماه "ذوالحجه" اجازه عمره نداد، مگر بخاطر اینکه رواج اهل شرک را از بین برده باشد، چرا که "قریش" و کسانی که به اعتقادات آنها پایبند بودند می‌گفتند: وقتی که موی شتران زیاد شد و زخمهای پشت شان خوب شده و ماه صفر داخل شود، در این وقت عمره، برای کسی که اراده عمره دارد روا می‌گردد.

و آنها بجای آوردن عمره در ماههای ذوالحجه و محرم را ناجائز می‌دانستند.^۱

د- تذلیل و خوار نمودن مشرکین: به اظهار شعائر اسلام در جاهای که مشرکان در آن جای‌ها کفر و دشمنی خویش با خدا و رسولش را اظهار نموده بودند، چنانچه در "منی" فرمود: ما فردا به "خیف بنوکنانه" پائین می‌شویم وقتی که بر کفر سوگند یاد کرده بودند. (هدف آن حضرت وادی المحصّب بود).

داستانش از این قرار است که "قریش" و "کنانه" قسم خورده بودند که اگر "بنو هاشم" و "بنوعبدالمطلب" رسول خدا را به آنها تحویل ندهند، با آنها نکاح و داد و ستد نکنند^۲ (یعنی بنوهاشم و بنوعبدالمطلب را تحریم اقتصادی و اجتماعی نمایند).

ه- بیرون شدن آن حضرت از "مزدلفه" بطرف "منی" قبل از طلوع آفتاب: عمرو بن میمون^۳ می‌فرماید: با عمر بن خطاب رضی الله عنه حج کردیم، و چون می‌خواستیم از مزدلفه بیرون شویم، فرمود: پیش از اسلام، مشرکین بعد از طلوع آفتاب از مزدلفه

۱ - سنن ابوداود: حدیث شماره: ۱۹۸۷، البانی این حدیث را در صحیح سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۷۵۰ "حسن" گفته است. و مراد از جمله: وقتیکه موی شتران زیاد شود وزخم‌های پشت‌شان خوب شود، اینست که در نتیجه سفر و حمل و نقل بار در موسم حج موهای پشت شترها از بین می‌رفت و پشت آنها زخم می‌شد، و هرگاه که بعد از استراحت بار دیگر شترها به حالت عادی خویش برگردند... .

۲ - صحیح البخاری: حدیث شماره: ۵۹۰.

۳ - عمرو بن میمون الأودی، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان شد اما آن حضرت را ندید. در سال ۴۷ هجری وفات یافت. الکاشف للذّهبی، راوی شماره: ۵۱۲۲.

بیرون می‌شدند، رسول خدا با این کار آنها مخالفت کرده و قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه خارج شد.^۱

و همچنین بیرون شدن آن حضرت از "عرفه" بسوی "مزدلفه" نیز بر همین اصل مبنی بوده است.^۲

حافظ ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: از عادات شریفه پیامبر ﷺ این بود که شعار توحید را در جای شعار کفر برپا می‌داشت، چنانکه امر فرمود که مسجد طائف را در جای "لات و عزی" تعمیر نمایند.^۳

آن حضرت ﷺ در مخالفت با مشرکین تنها به افعال خویش بسنده نکرده بلکه صحابه کرام را نیز امر می‌فرمود تا با مشرکین مخالفت نمایند، مثل دستور آن حضرت در مسأله طواف برای آن عده از صحابه که قریشی نبودند، به مخالفت با قریش در بدعتی که بوجود آورده بودند که هرکس قریشی نباشد و خواسته باشد طواف نماید باید با لباس شخص قریشی طواف نماید و الا برهنه طواف نماید، چرا که یک سال بعد (در سال نهم هجری)، دستور دادند که در بین مردم اعلان شود «هیچ شخصی برهنه در اطراف خانه کعبه طواف نکند».^۴

و همچنین دستور آن حضرت برای آنعده از اصحاب که "هدی" همراه نداشتند اینکه حج "تمتع" بجا آورند تا که نُسک شان مخالف با مشرکین باشد که گمان می‌کردند عمره در ماههای حج از بزرگ‌ترین گناهان است.^۵

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۸۴.

۲ - مراجعه شود به صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۸۳۸.

۳ - زاد المعاد من هدی خیر العباد ۲/۱۹۴.

۴ - نگا: فتح الباری: ۵۶۵/۳.

۵ - صحیح البخاری: حدیث شماره: ۱۶۲۲.

۶ - صحیح البخاری: حدیث شماره: ۷۲۳۰.

و- دستور صریح آن حضرت برای انصار به سعی در بین صفا و مروه، جاییکه برای آنها فرمود: "سعی" کنید چرا که خداوند، سعی را بر شما لازم گردانیده است.^۱

و در این دستور مخالفت قاطعانه با رواج انصار در زمانه جاهلیت بود که می‌گفتند: سعی در بین صفا و مروه جائز نیست، چنانکه عائشه رضی الله عنها مسأله را برای "عروه بن زبیر"^۲ واضح گردانید؛ آنگاه که ابن زبیر برایش گفت: به نظرم هیچ پروائی (اشکالی) ندارد که اگر بین صفا و مروه سعی نکنم! عائشه گفت: چرا؟ ابن زبیر گفت: چونکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ [البقرة: ۱۵۸].

«هر آئینه صفا و مروه از شعائر (نشانه‌های) خدا است پس هر کس که حج خانه (خدا) کند یا عمره بجا آرد پس گناهی بر وی نیست در آنکه طواف (سعی) کند بین این هر دو (صفا و مروه)».

عائشه گفت: اگر مسأله طوری که تو می‌پنداری باشد، آیه این طور می‌بود: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ إِلَّا يَطَّوَّفَ بِهَا».

یعنی: «پس گناهی بر وی نیست در آنکه طواف (سعی) نکند بین این هر دو».

این آیه در باره مردمی از انصار نازل شد که بر خویش جائز نمی‌دانستند که بین صفا و مروه سعی نمایند (و سعی بین صفا و مروه را از بقایای جاهلیت می‌دانستند، زیرا که در جاهلیت بالای صفا و مروه دو بت عبادت می‌شد) و آنگاه که پیامبر ﷺ به حج آمد موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند، پس خداوند متعال این آیه را

۱ - صحیح ابن خزیمه: حدیث شماره: ۲۷۶۴.

۲ - عروه ابن زبیر، خواهر زاده و شاگرد عائشه رضی الله عنها، در اوایل خلافت عثمان رضی الله عنه تولد شده و در سال ۹۴ هجری وفات یافت. نگا: تقریب التّهذیب: صفحه ۴۲۵، راوی شماره: ۴۵۶۱.

نازل فرمود، و کسی که بین صفا و مروه سعی نکند حج آن شخص کامل نمی‌شود.^۱
لذا حافظ ابن قیم می‌فرماید: شریعت اسلامی - خصوصا در موسم حج - بر پایه مخالفت با مشرکین استوار شده است.^۲

پس خوشبختی و بشارت برای کسی که به رسول خدا اقتدا نموده، و در تمام زندگی خویش مخالفت با مشرکین را نصب العین خویش قرار دهد و هرگز مشابهت با آنها را اختیار نکند؛ «چرا که اگر شخصی خود را همانند قومی ساخت از آنها می‌باشد».^۳ و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».^۴ ترجمه: «شخص هر کسی که دوست دارد (در روز قیامت نیز با او) می‌باشد».

۴- کثرت مناجات و دعا

دعا در اسلام دارای جایگاه مخصوصی می‌باشد؛ چرا که انتهای تذلل و نیازمندی به دربار پروردگار بزرگ را نشان می‌دهد، از این رو پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: دعا، خودش عبادت است.^۵

یعنی رکن بزرگ عبادت است؛ چرا که روی آوردن به خداوند متعال و بیزاری از غیر الله را بوضوح نشان می‌دهد.^۶

و پیامبر ﷺ در مراسم حج بیش از معمول بقیه اوقات دعا کرده‌اند.

آن حضرت ﷺ در وقت طواف دعا نموده^۷، درحین وقوف بر صفا و مروه نیز دعا

۱ - صحیح البخاری: حدیث شماره: ۱۶۴۳، صحیح مسلم: حدیث شماره: ۱۲۷۷.

۲ - حاشیه ابن قیم بر سنن ابو داود: ۱۴۶/۵.

۳ - سنن ابی داود، حدیث شماره: ۴۰۳۳.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۱۶۹.

۵ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۹۶۹.

۶ - مراجعه شود به: تحفة الأخوذی از مبارکپوری: ۲۲۰/۹.

۷ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۸۹۲.

کرده است. و در روز عرفه در حالیکه بر ناقه (شتر) خویش سوار بودند، دستها را تا سینه بالا برده و تا غروب آفتاب دعا کردند. و بالاخره اینکه در مشعرالحرام "مزدلفه" بعد از اینکه نماز را در اول وقت خواندند، شروع به دعا کرده و تا قبل از طلوع آفتاب به حضور پروردگار خویش نیایش نمودند.^۱

و در روزهای تشریق پس از زدن دو جمره اول، رو به قبله می ایستاد، دستهای خویش را بالا برده و دعا می کرد.^۲

حافظ ابن قیم می گوید: به اندازه قرائت سوره بقره می ایستاد.^۳

مثالهایی که گذشت در دعای مسأله از آن حضرت ﷺ روایت شده، اما ثنا و ذکر خداوند را از زمان بیرون شدن از مدینه منوره تا بازگشت به آنجا ترک نکرده است، همیشه زبانش به ذکر خداوند مشغول بوده و خداوند را طوری که مناسب شأن او تعالی است، در همه حال ثنا می گفته است.^۴

لازم به یاد آوریست آنچه که از دعا و نیایش آن حضرت در موسم حج برای ما رسیده، نسبت به آن چه که نرسیده خیلی کم است؛ چرا که اصل در دعا اینست که به طور خفا و سری در بین پروردگار و بنده اش می باشد، و هر انسان از خدای خویش آن چیزی را می خواهد، که به آن احتیاج دارد.

اما در بعضی جاها که آن حضرت با صدای بلند دعا کرده، خواسته تا امت را تعلیم بدهد و مسلمانها از ایشان پیروی نمایند، چنان که حدیث جابرائصاری رضی الله عنه

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - صحیح البخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱.

۳ - زاد المعاد: ۲/۲۸۵، مراجعه شود به سنن بیهقی: ۱۴۹/۵.

۴ - برای تحقیق بیشتر ودانستن صفت مناجات و اذکار رسول خدا ﷺ در موسم حج به صحیح بخاری احادیث شماره: ۱۵۴۴، ۱۵۵۰، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۹۷ - و صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸ مراجعه شود.

شاهد خوبی برای مدعای ماست که می‌فرماید: ... بعدا این آیه را تلاوت نمود:

﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [البقرة: ۱۲۵]. و صدای خود را بلند نمود تا مردم بشنوند.^۱

و بر هیچ عاقلی مخفی نیست که ذکر و دعا از اهداف و مقاصد بزرگ حج می‌باشد که در این قول خداوند به آن تلمیح شده:

﴿فَإِذَا قُضِيَتْكُمْ مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾ [البقرة: ۲۰۰].

«پس هنگامی که مناسک حج خویش را انجام دادید همانگونه که پدران خویش را یاد می‌کنید خدا را یاد کنید و بلکه بیشتر از آن».

بلکه اعمال و شعائر حج بخاطر ذکر خداوند متعال مشروع شده، به طوری که در حدیث عائشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ آمده: طواف بیت الله، سعی بین صفا و مروه و زدن جمره بخاطر اقامه یاد خدای بزرگ مشروع شده است.^۲

و باید گفت دعاهایی که از آن حضرت در موسم حج نقل شده است از دعاهای جامع می‌باشند، مثل دعای آن حضرت در بین دو رکن یمانی^۳:

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

پس انسان موفق کسی است که به پیامبر خدا تأسی و اقتدا نموده، حمد و ثنا بر پروردگار متعال و مناجات و تضرع به درگاه الهی را فراموش نکند.

۱ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۲۹۶۱.

۲ - جامع ترمذی: حدیث شماره: ۹۰۲، سنن أبی داود: حدیث شماره: ۱۸۸۸.

۳ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۸۹۲.

و لازم است که ذکر با حضور قلب بوده و دعا با اخلاص کامل و از عمق دل باشد، و هرگز شخص مسلمان در موسم حج وقتش را در کارهای بی‌فایده ضایع نکند، چرا که شاید این فرصت طلانی دیگر هرگز برایش میسر نشود.

۵- رعایت حدود الله

قهر و غضب بنده بخاطر خدا و رعایت حدود او نشانه تقوی، علامت کمال بندگی و دلیل بر صدق ایمان می‌باشد.

از خلال مثال زیر دانسته می‌شود که رسول خدا ﷺ -خصوصاً- در موسم حج در مراعات نمودن حدود الله خیلی محتاط بوده و بخاطر هتک حرمت آن خشمگین و غضبناک می‌شده است.

پیامبر خدا وقتی که از مدینه منوره حرکت نمود، همراه خود "هدی"^۱ برده بود ... بعداً بخاطر سهولت و آسانی برای اصحاب، دستور داد هر که با خود هدی نیاورده است احرام خویش را شکسته و حج خود را عمره بگرداند. و شخص پیامبر ﷺ چون هدی داشت، نخواست که احرام خود را بشکند و خویش را حلال نماید.

صحابه کرام رضی الله عنهم به گمان اینکه رسول خدا ﷺ جدی نیست و فقط رخصت شرعی را برای آنها بیان می‌کند در اطاعت امر تأخیر نمودند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی که دید اصحاب از دستور آن حضرت به سرعت اطاعت نکرده اند، بخاطر خدا غضبناک شده، از میانشان برخاست و به نزد عائشه رضی الله عنها رفت.

عائشه چون پیامبر خدا را خشمگین دید گفت: ای رسول خدا! چه کسی شما را خشمگین کرده است؟!.

پیامبر فرمود: آیا نمی‌دانی که من مردم را به کاری دستور دادم و با وجود این هم آنها متردد هستند! و اگر من چیزی را که حالا می‌دانم قبلاً می‌دانستم هدی را با خود

۱ - حیوانی که حاجی برای قربانی با خود می‌برد.

نمی‌آوردم و فعلاً خود را مثل آنها حلال می‌کردم^۱، بعداً از نزد عائشه بیرون شد، در بین صحابه ایستاده و فرمود: شما خوب می‌دانید که من متقی‌ترین، راستکارترین و نیکوکار ترین شما هستم، و اگر من همراه خویش هدی نمی‌آوردم، مثل شما خود را حلال می‌کردم. پس خود را حلال کنید^۲.

صحابه کرام دستور آن حضرت را با جان و دل پذیرفته و سمع و اطاعت نمودند. همین طور برای هر مسلمان سزاوار است تا در وقت انتهاک محارم، ناراحت و خشمگین شود. حدود الله را پایمال نکند و به اوامر و نواهی پایبند باشد. از سرپیچی دستورات خداوندی حذر نماید، چرا که سبب هلاکت و مبتلا شدن به فتنه می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«پس باید بترسند کسانی که خلاف حکم پیامبر می‌کنند از آنکه بلا و یا عذاب دردناک به ایشان برسد».

و تو ای برادر مسلمان و متعهد! اگر می‌خواهی از عذاب الهی نجات پیدا کنی حدیث پیامبر خدا را به یاد داشته باش جائیکه می‌فرمایند: از آن چیزی که شما را نهی می‌کنم اجتناب کنید، و به چیزی که شما را امر می‌کنم در حد استطاعت، آن را انجام دهید، زیاد کردن سوال و اختلاف با پیامبران، آنهائی را که قبل از شما بوده‌اند هلاک گردانیده است^۳.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۲۸۸، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۷ (لفظ حدیث از صحیح مسلم است).

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: (ای مسلمان!) وقتی که شنیدی خداوند می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده اید! خوب گوش بده؛ چرا که یا به بهترین چیز تو را امر می‌کند و یا از بدترین کار تو را نهی می‌نماید^۱.

۶- خشوع و آرامش

حضور دل و خشوع آن، به آرامش اعضا و وقار آنها دانسته می‌شود، چرا که ظاهر، نشانه باطن است.

و در مراسم حج شخص پیامبر خدا ﷺ با قلب آماده به انجام نسک، فروتن در مقابل پروردگار، شکسته و متواضع در جلورب خویش، گریه کنان و اشک ریزان با بلند نمودن دستها در هنگام مناجات و زاری به حضور ربّ الارباب^۲، مثال غیر قابل تصویری را از این نوع ارائه کردند.

صحابه کرام بعضی از احوال پیامبر در موسم حج را برای ما بیان می‌کنند که از آن جمله :

الف: جابر انصاری رضی الله عنه حالات پیامبر ﷺ در اثنای طواف را این طور وصف می‌کند: ... از سنگ حجرالاسود شروع کرده و آن را در بغل گرفت، از چشم‌های مبارک آن حضرت اشک جاری شد، بعدا سه طواف اول را در حال رَمَل (پهلوانی)^۳ و چهار طواف دیگر را به حالت عادی انجام داد، و چون از طواف فارغ شد حجر الاسود

۱ - سنن سعید ابن منصور، حدیث شماره: ۸۴۸.

۲ - درین مورد مثال‌های زیادی در کتب حدیث ذکر شده است؛ بطور مثال: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - رَمَل و یا پهلوانی عبارت از این است که شخص حاجی و یا معتمر هنگام طواف قدم‌هایش را نزدیک هم گذاشته و با حرکت دادن شانه‌ها با سرعتی که از حالت عادی بیشتر باشد طواف نماید. رمل فقط در سه شوط اول طواف قدوم سنت می‌باشد.

را بوسید، دست‌های خود را بر بالای آن گذاشت و بعدا به روی مبارک خویش کشید.^۱

ب: سالم^۲ از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده: آن حضرت جمره عقبه اولی را زد و بعدا کمی جلوتر رفت و مکث نمود، و در آن جا مدت زمان زیادی رو به قبله ایستاد - و در حالیکه دست‌های خود را بالا گرفته بود - دعا کرد. و بعد از آن جمره وسطی را زد، و به طرف چپ وادی، مدت زیادی رو به قبله ایستاد و در حالیکه دست‌های مبارکش به طرف آسمان بود دعا کرد، و پس از آن جمره کبری را زده و نزدیک آن نایستاد.

و ابن عمر نیز این افعال را انجام می‌داد و می‌فرمود: همینطور دیدم که رسول خدا ﷺ این امور را انجام داده است.^۳

آن حضرت ﷺ همچنان آرام و با وقار راه می‌رفت و مناسک حج را با اطمینان و آرامش تمام ادا می‌نمود، ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید:

در روز عرفه با رسول خدا ﷺ همراه بودم ... ناگهان از پشت سر، صدای بعضی مردم را شنید که شترها را می‌زدند و فریاد می‌کشیدند، پیامبر ﷺ با تازیانه‌ای که در دست داشت به آنها اشاره کرد و فرمود: ای مردم! آرامش را بر خود لازم بگیرید

۱ - السنن الکبری: ۷۴/۵، ابن کثیر در السیرة النبویة: ۳۱۷/۴ می‌گوید: اسناد این حدیث "جید" است.

۲ - سالم ابن عبداللّه بن عمر، یکی از فقهای سبعة، در سیرت و فقه به پدرش عبد اللّه ابن عمر شباهت زیاد داشت، در آخر سال ۱۰۶ هجری وفات یافت. تقریب التّهذیب، راوی شماره: ۲۱۷۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، ۱۷۵۳. و حافظ ابن قیم علت دعا نکردن آن حضرت بعد از جمره عقبه کبری را این طور بیان می‌کند: عادت شریفه آن حضرت این بود که در اثنای عبادت و قبل از اینکه از آن فارغ شود، دعا می‌فرمود. و وقتی که جمره عقبه کبری را زد، از عبادت (رمی) فارغ شد، لهذا دعا نکرد. و دعا در اثنای عبادت (قبل از فارغ شدن از آن) بهتر است از دعا کردن پس از آن.

و سنت آن حضرت در دعای نماز نیز همین بوده است که در صلب نماز و اثنای آن دعا می‌کرده، و اما بعد از انتهای نماز عادت آن حضرت بر دعا کردن نبوده است و کسی که از آن حضرت نقل کرده در اشتباه افتاده است. نگا: زاد المعاد من هدی خیر العباد: ۲۸۶/۲.

نیکوئی در تیز و تند رفتن نیست.^۱

سالها بعد وقتی که عمر ابن عبد العزیز رحمته^۲ برای مردم در عرفه سخنرانی کرد، مفهوم حدیث فوق را برای حجاج بیت الله الحرام این طور تشریح نمود و گفت: برنده کسی نیست که اسب و شتر او جلو باشد، بلکه برنده کسی است که گناهان او بخشیده شده باشد.^۳

متأسفانه این زمان نیز مشاهده می شود که در وقت طواف و سعی و یا زدن جمره، بعضی از حجاج بیر و بار (شلوغ) نموده و سبب آزار و اذیت دیگران می شوند. شاید مثال هایی که از مرگ و میر حجاج می شنویم در نتیجه همین کارها باشد.

۷- انجام کارهای خیر

خداوند بزرگ در کتاب مجید خود بندگان را تشویق به مسابقه در کارهای نیک می نماید و می فرماید:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۳].

«و شتاب کنید بسوی آمرزشی از پروردگار خویش، و بسوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها و زمین است که برای پرهیزگاران آماده شده است».

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۱.

۲ - امیر المؤمنین عمر ابن عبد العزیز، مادرش دختر عاصم ابن عمر فاروق رضی الله عنه بوده است. در زمان خلافت ولید بن عبد الملک (خلیفه اموی) والی مدینه منوره بود، و بعد از سلیمان بن عبد الملک منصب خلافت به او سپرده شد، او را در زمرة خلفای راشدین دانسته اند. در ماه "رجب" سال ۱۰۱ هجری، بعمر چهل سالگی در گذشت، مدت خلافت: دو سال و شش ماه. ر.ک. تقریب التّهذیب ص: ۴۵۷، راوی شماره: ۴۹۴۰.

۳ - فتح الباری: ۵۲۲/۳.

عادت پیامبر ﷺ در حج نیز بر همین منوال بوده که با چند مثال زیر دانسته می‌شود:

الف - التزام به امور مستحب: مثل غسل نمودن برای احرام^۱، استعمال خوشبوئی.

قبل از احرام و بعد از انجام امور حج^۲، تلبیه مداوم و بلند گفتن آن تا زدن جمره العقبه^۳ (آخرین جمره)، ابتدا نمودن به طواف بیت الله و رمل (پهلوانی) در سه شوط اول^۴، دو رکعت نماز بعد از طواف پشت مقام ابراهیم^۵، دعا بر بالای صفا و مروه^۶، ذکر در وقت استلام هر دو رکن و در وقت زدن جمره^۷ و امور دیگر.

ب - تأخیر در بیرون شدن از "مزدلفه" تا روشن شدن هوا کمی قبل از طلوع خورشید؛ با وجود اینکه میتوانست زودتر از آنجا حرکت کند، و این کار را به خاطر ضعیفانی که با آن حضرت بودند انجام نداد^۸.

ج - ذبح نمودن صد شتر^۹: در حالیکه یک هفتم یک شتر و یا یک گاو، و یا یک رأس گوسفند می‌توانست کافی باشد^{۱۰}.

و نکته مهم اینکه متوجه می‌شویم که پیامبر ﷺ تمام مناسک حج را شخصا ادا نموده و احدی را به نیابت نگرفته مگر در وقت ضرورت.

۱ - جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۳۰.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۳۹.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴، ۱۵۷۳. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۴.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۵، ۱۶۱۶.

۵ - جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۵۶.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، ۱۲۶۱.

۷ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۸ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۳.

۹ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸.

۱۰ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۸، زاد المعاد ۲/۲۲۱.

به طور مثال:

بعد از اینکه شصت و سه شتر را خود آن حضرت به دست مبارک خویش قربانی نمودند، علی رضی الله عنه را به حیث نائب و وکیل دستور دادند تا بقیه شترها را قربانی نماید^۱ ... و در بعضی روایات آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با علی رضی الله عنه مساعدت می کردند^۲ که در این صورت نائب نیز نگرفته اند.

اعتراض نشود که پیامبر صلی الله علیه و آله در بعضی از امور حج از اصحاب خویش استعانت و کمک می گرفته، مثل اشعار (علامت گذاری) بعضی از هدی^۳، بر پا نمودن قبه برای آن حضرت در نمره^۴، جمع کردن سنگریزه برای ایشان از مزدلفه به خاطر رمی جمرات^۵ و رسیدگی به مرکب (سواری) آن حضرت^۶ و از این قبیل، چرا که یا امور ذکر شده اصالتاً از کارهای "نسک" نیست و یا اینکه نبی مهربان صلی الله علیه و آله با این کار قصد تشویق و دادن شرف برای برخی از افراد را داشته اند.

خلاصه کلام اینکه متأمل در نگاه اول درک می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله کوشش زیاد و رغبت تام داشته که مناسب را به وجه اکمل و برتر ادا نماید، مگر اینکه مصلحتی در کار بوده باشد، به طور مثال سعی بین "صفا" و "مروه" را سواره انجام داد^۷، و حجر الاسود را با عصا استلام کرد^۸، بخاطر اینکه مردم در اطرافش زیاد بوده اند و پیامبر

۱ - نگا: سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۰۶، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۶۰۹.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

۶ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۷۲۹۰.

۷ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۸.

۸ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۵، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

خدا می‌خواست که همه صحابه کرام ایشان را ببینند و اگر مسائل و مشکلات داشته باشند به آسانی سوال نمایند.

برادر عزیز، حاجی محترم! شما در بهترین سرزمین و بهترین ایام عمرتان قرار دارید، فرصت را غنیمت شمرده و کوشش کنید که در امور خیر از بقیه دوستان و همسفرهای خود پیشقدم باشید، و بدانیم که خداوند متعال به عبادات و اعمال ما ضرورت ندارد و اگر تقوی و خدا ترسی اختیار نمائیم فایده اش به خود ما می‌رسد، و خداوند متعال به صورت و دارائی کسی نگاه نمی‌کند بلکه دل پاک و عمل بی‌شائبه و بی‌ریا را می‌بیند.

و به یاد داشته باشیم که امروز عمل است و حساب نیست و فردا حساب است و عمل نخواهد بود. پس کسی که در این دنیا عمل نیک داشته باشد کامیاب و سرفراز است و کسی که وقت خود را ضایع کرده باشد، هلاک گردیده است.^۱

۸- توازن و اعتدال

در دین مقدس اسلام افراط و تفریط مذموم قرار داده شده است و اسلام توازن و میانه روی را می‌پسندد.

از خلال کتب حدیث مثال‌های زیادی به چشم می‌خورد که برای ما واضح می‌سازد که رسول خدا ﷺ در امور مختلف از قبیل: عبادت پروردگار^۲، تعلیم و تربیت امت^۳، سرپرستی همسران و رفتار با اهل بیت خویش^۳ و... از میانه‌روی تمام کار گرفته‌اند.

۱ - مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۶۴، ۲۶۹۹.

۲ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - بطور مثال: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۶، ۳۰۵. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

و هم چنین در فضای روحانی مثل حج که بیشتر مردم در حق جسد خود کوتاهی می نمایند، آن حضرت توازن کامل بین حقوق روح و جسد را برقرار نمود.

در روایات آمده که پیامبر ﷺ شب «عرفه» و «مزدلفه» را خواب شد و استراحت نمود^۱، و در روز عرفه روزه نگرفت^۲. و در روز عرفه در زیر سایه بانی از موی که از قبل برایشان تهیه شده بود، قرار گرفت^۳.

در رفت و آمد شان بین مشاعر^۴ و اثنای بعضی اعمال حج مثل طواف، سعی و رمی جمره عقبه سوار می شد^۵. و کسانی را گماشت که در اثنای مراسم خدمت آن حضرت را انجام می دادند^۶، و ازین قبیل کارهایی که ادای مناسک را برای آن حضرت آسان نماید و به سادگی و فراغت تمام به راز و نیاز و نیایش با پروردگار ادامه دهد.

در صحیح مسلم حدیثی آمده که توازن و اعتدال رسول خدا ﷺ در موسم حج را خیلی به خوبی واضح میسازد؛ امّ الحصین علیها السلام می فرماید: در حجة الوداع با پیامبر خدا همسفر بودم، سواره از (زدن) جمره عقبه برگشت، "بلال" و "اسامه" همراهش بودند، یکی از آن دو جلو سواری (مرکب) را به دست داشت و دیگری پارچه ای را بالای سر آن حضرت گرفته بود تا آفتاب ایشان را اذیت نکند، پیامبر ﷺ در این وقت برای مردم صحبت نمود و فرمود: اگر غلامی سیاه پوست با موهای مجعد (آشفته و پریشان) بر شما امیر شد تا وقتی که از کتاب الله پیروی می کرد، سخنش را بشنوید و از او اطاعت نمائید^۷.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۵۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۶۶. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷، ۱۲۷۳.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۳.

۷ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۸.

از این حدیث اموری مثل سوار شدن، استفاده از سایه، وقار و آرامش آن جناب و خدمت نمودن اصحاب برای آن حضرت، و... بوضوح به نظر می‌رسد.

۹- زهد و بی رغبتی دردنیا

شکی نیست که قلب رسول خدا ﷺ به پروردگارش بسته بوده و به مظاهر دنیا تعلق نداشت، و اگر مالی در دسترس آن حضرت قرار می‌گرفت با وسعت قلب و بدون اینکه به فکر ذخیره اندوزی برای خود و اهلش باشد، آن را در راه خدا انفاق می‌کرد. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ دعا می‌فرمود: خدایا! آل محمد را به قدر کفایت رزق و روزی بده^۱.

گاهی تمام روز را از گرسنگی رنج می‌برد و چیزی برای خوردن نداشت؛ چنانکه عمر فاروق رضی الله عنه روایت می‌کند: رسول الله ﷺ را دیدم که تمام روز گرسنه بود و حتی خرمای خشک نیز نداشت که شکم خود را سیر نماید^۲.

و از مظاهر زهد آن حضرت که در موسم حج به مشاهده رسیده این است که:
الف- با وسائل و سامان کهنه‌ای سفر کردند که چهار درهم و یا کمتر از آن ارزش داشته است^۳.

حافظ ابن قیم می‌فرماید: پیامبر ﷺ در رَحَل (وسائل و سامانی) سفر نمودند که کجاوه، هودج و عَمَّارِیه نداشت^۴.

سال‌ها بعد وقتی که عبد الله ابن عمر رضی الله عنه گروهی از حجاج "یمن" را می‌بیند که زین‌های شترهای آن‌ها از پوست دباغی شده و پوزبند شترهای شان از موی می‌باشد،

۱ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۴۶۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۰۵۵.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۹۷۸.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

۴ - زاد المعاد: ۱۶۰/۲. و این‌ها انواع پالان‌ها و زین‌های قیمتی و گران بها بوده که بر پشت شترها گذاشته می‌شده است.

حج پیامبر گرامی اسلام را در ذهن خویش خاطر نشان ساخته و می‌فرماید: کسی که دوست دارد مشابه‌ترین گروه را که به پیامبر و اصحابش - وقتی که به حجة الوداع آمده بودند- ببیند، بسوی اینها نگاه کند.^۱

ب- و از صورت‌های زهد آن حضرت ﷺ در موسم حج اینست که با کمال تواضع و محبت "اسامه ابن زید" را از عرفات تا مزدلفه و "فضل ابن عباس" را از مزدلفه تا منی به پشت سر خویش سوار نمودند.^۲

ج- و آنگاه که به عرفه ایستاد، فرمود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ إِنَّ الْخَيْرَ خَيْرُ الْآخِرَةِ»^۳. که تعلق قلب پیامبر را به آخرت نشان می‌دهد.

د- آن حضرت ﷺ در موسم حج از سائر مسلمانها تمایز نداشت و حتی وقتی که به "سقایه" آمد و می‌خواست آب بنوشد، عباس رضی الله عنه برای فرزند خود گفت: ای فضل! نزد مادرت برو، و از آن جا برای پیامبر ﷺ نوشیدنی بیاور. رسول خدا فرمود: ای عباس! برایم آب بده.

عباس گفت: یا رسول الله! مردم دستهای خود را در سقایه می‌زنند.

پیامبر ﷺ فرمود: من از همان آبی می‌نوشم که عامه مردم از آن می‌نوشند.^۴

ه- آن حضرت در حج خویش یکصد شتر قربانی نمود^۵ و اگر کسی قلبش به

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۴۱۴۴، مسند احمد، حدیث شماره: ۶۰۱۶.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۸۳۱.

۴ - مسند احمد، حدیث شماره: ۱۸۱۴، و هم چنین این حدیث بیانگر کمال تواضع رسول گرامی

اسلام ﷺ می‌باشد.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸.

دنیا وابسته باشد از مقدار واجب بیشتر قربانی نمی‌کند.^۱

و- کثرت صدقه و طعام دادن مردم: در روز ترویبه (روز هشتم ذوالحجّه) به دست مبارک خویش هفت شتر ذبح نمود^۲، و در روز قربانی، علی علیه السلام را دستور داد که گوشت، پوست و همه وسائل متعلق به اشتران ذبح شده را در بین فقرا و مساکین تقسیم نماید^۳.

ز- تقسیم صدقه در بین مردم: در روز نحر (دهم ذوالحجّه) تعدادی گوسفند را در بین مردم تقسیم نمود^۴ و در حالیکه مشغول تقسیم صدقه بود، دو نفر آمدند و صدقه طلب نمودند.

پیامبر ﷺ به آنها نگاه کرد و بعد به زمین نظر انداخت. دید که هر دو جوان هستند و می‌توانند کار کنند، فرمود: اگر خواسته باشید از این مال برای شما می‌دهم، اما این مال صدقه است برای انسان‌های ثروتمند و برای اشخاص قوی و اهل کسب و کار نمی‌باشد^۵.

ح- غذای ساده: وقتی که قربانی‌ها را در حجة الوداع ذبح نمود، مقداری گوشت برای خادمش (ثوبان رضی الله عنه) داد و فرمود: این گوشت را پخته کن. ثوبان می‌فرماید: گوشت را پخته و آماده نمودم، پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانیکه به مدینه رسید از آن گوشت تناول می‌فرمود^۶.

۱ - که یک رأس گوسفند و یا بز از طرف یک شخص می‌تواند کافی باشد. نگا: الهدایه از علامه مرغینانی حنفی ۲۰۱/۱.

۲ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱. سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۹۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۲، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۷.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۳۱۸۰.

۵ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۶۳۳.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۹۷۵.

برادر عزیز و خواهر گرامی! قلب حقیقت بین، از دنیا و زینت‌های آن خویشتن را دور نگه داشته و هرگز بنده آن نخواهد شد، زیرا که دنیا فنا شدنی است و برای دنیا پرستان خواری و ذلت باقی خواهد ماند.

مظاهر تابان ازجوانب ارتباط پیامبر ﷺ در حج با پروردگارش را مطالعه نمودیم که با وجود مشغولیت‌ها و مسئولیت‌های زیاد، در مقابل پروردگار خویش منقاد و مطیع در حال عبادت است.

و همچنین حج برای ما نیز یک فرصت طلایی می‌باشد؛ وقت آن است که از خطاها و لغزش‌های گذشته پوزش خواسته و برای آینده بهتر زحمت بکشیم. پیامبر ﷺ می‌فرماید: همه انسان‌ها خطا کارند، و بهترین خطا کارها توبه کنندگان می‌باشند^۱.

پس به رسول خدا ﷺ اقتدا کرده، کمال عبودیت و انقیاد خویش در مقابل پروردگار را در موسم حج و بعد از آن به نمایش بگذاریم و در کارهای خیر از دیگران سبقت داشته و از کارهای بد گریزان باشیم.

فصل دوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب

تشویق اهل بیت به کارهای خیر و عام المنفعه
پیش‌گیری اهل از وقوع در فتنه
آسانی و سهولت
همدردی با اهل و اقارب
احسان و نیکی به ایشان

فصل دوم

احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب

به شهادت صحابه کرام و همه کسانی که با پیامبر ﷺ نشست و برخاست داشته‌اند، آن حضرت با نزدیکان خویش بهترین رفتار و اخلاق را داشته و به اقارب خویش همیشه احسان می‌نموده است.

بزرگ‌ترین نیکی و صله رحم که در حق ایشان روا داشته همانا دعوتشان بسوی دین و کوشش زیاد آن جناب بر هدایت قوم و نجات آنها از عذاب الهی بوده است. آن حضرت در اولین روزهای بعثت بر تپه "صفا" بالا رفت و با صدای بلند فرمود: ای فاطمه دختر محمد، ای صفیه بنت عبد المطلب، ای فرزندان عبدالمطلب! من شما را از عذاب الهی نمی‌توانم نجات دهم، اما از مال من هر چه می‌خواهید بطلبید.^۱

و آنگاه که ابوطالب در حال احتضار بود پیامبر خدا با کمال مهربانی و احترام برایش فرمود: کاکا جان! بگو (لا إله إلا الله) کلمه ای که در نزد پروردگار به سبب آن از تو دفاع نمایم.^۲

و در موسم حج نیکی آن حضرت با اهل بیت و اقارب، کاملاً واضح شده، صله رحم و احسانش به طور کامل در مواقع و حالات مختلف نمایان می‌باشد.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شمار: ۲۰۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۸۸۴.

ما در اینجا چند نمونه از احوال پیامبر ﷺ با اهل و اقاربش را در حج ذکر می‌نماییم:

۱- آموزش مناسک حج برای آنها

پیامبر ﷺ برای تعلیم اهل و عیالش در موسم حج اهتمام خاص نشان داده تا جایی که بیشتر مسائل حج از آنها نقل شده است. به طور مثال اُم سلمه رضی الله عنها روایت می‌کند از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: ای آل محمد! به عمره در حج (حج تمتع) نیت نمایید^۱.

و آن گاه که عائشه رضی الله عنها قبل از اینکه به بیت الله طواف نماید، حیض شد برایش فرمود: هر کاری را که یک حاجی باید انجام دهد، انجام بده مگر اینکه به بیت الله طواف نکن^۲.

در شب مزدلفه برای نوجوانان بنوعبدالمطلب فرمود: قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید^۳.

پیامبر خدا ﷺ برای تعلیم اهل و اقاربش تنها به صحبت و سخنرانی اکتفا نمی‌کرد بلکه سوال‌های آن‌ها را جواب داده و ایشان را همراهی می‌نمود چنانکه در حدیث حفصه رضی الله عنها آمده است: پیامبر ﷺ در حجة الوداع همسران خویش را امر نمود که از احرام بیرون بیایند، من برایشان گفتم: شما چرا از احرام بیرون نمی‌آید؟ فرمود: من سر خود را تلبید^۴ کردم، و با خود قربانی آوردم و تا وقتی قربانی نکرده باشم، خود را حلال نمی‌کنم^۵.

۱- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۶۵۹۰، صحیح ابن حبان، حدیث شماره: ۳۹۲۲ با اسناد صحیح.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۳- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۹۳.

۴- معنای تلبید گذشت.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۳۹۸.

و آن گاه که فضل ابن عباس (پسر کاکای پیامبر) بطرف دختر جوانی از قبیله «خثعم» نگاه می کرد، پیامبر خدا ﷺ با دست خویش صورت فضل را بطرف دیگر گرداند تا دختر را نگاه نکند. عباس برایش گفت: ای پیامبر خدا! چرا گردن پسر عمویت را بطرف دیگر دور دادی؟ فرمود: پسر جوان و دختر جوانی را دیدم، ترسیدم که شیطان آنها را به فتنه بیندازد^۱.

اما در این زمان که بی اطلاعی و ندانستن امور حج در بین حجاج زیاد شده بدلیل اینست که تعداد خیلی کمی از مردم قبل از شروع مناسک مبادرت به تعلیم اهل و اقارب و افراد تحت سرپرستی شان می نمایند.

پس هر یک از ما کوشش کند اهل و عیالش را تعلیم و تربیت صحیح داده در نزد پروردگار مقام خویش را بالا ببرد و از بهترین مردم باشد، رسول خدا ﷺ می فرماید: بهترین شما کسی است که با اهلش بهترین باشد و من بهترین شما با اهل خویش هستم^۲.

و هم چنین تربیت اهل و اولاد یک مسئولیت بزرگ است. پیامبر ﷺ می فرماید: هر یک از شما مسئول است، و هر یک از شما از زیر دستانش سوال می شوید، مرد سرپرست فامیل خود بوده و مسئول می باشد^۳.

پس پیامبر خدا را اسوه حسنه قرار داده و دعوت و انداز را از اهل و اقارب خویش شروع نمائیم، خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴].

«و خویشاوندان نزدیک خود را بترسان (هشدار بده)».

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۵. البانی این حدیث را در صحیح سنن ترمذی، حدیث شماره: ۷۰۲ "حسن" قرار داده است.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۸۹۵.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۵۳.

۲- مأمور نمودن ایشان به تهیه وسایل سفر قبل از بیرون شدن

رسول خدا ﷺ قبل از اینکه از مدینه منوره به مقصد حج بیت الله بیرون برود، افراد خانواده خود را مأمور تهیه وسایل لازم نمود، عائشه رضی الله عنها می فرماید: پیش از اینکه رسول خدا احرام ببندد، برای شترهای قربانی آن حضرت گردن بند بافتم.^۱

چقدر زیباست که با اقتدا به پیامبر گرامی اسلام، قبل از سفر به بیت الله الحرام، انسان خود و اهلش را مشغول ترتیب امور حج نموده، مقاصد حج را درک کند و احکام آن را صحیح بداند، به فضائل حج آگاه شده و آداب آنرا فرا گیرد و با قلب مشتاق و خاطر آسوده رهسپار این سفر عبادی و به یاد ماندنی گردد.

۳- تشویق آنها بر شرکت در مراسم حج

خداوند متعال حج را بر بنده توانمند خویش فرض گردانیده است و می فرماید:

﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و حج خانه کعبه حقّ خدا است بر مردمان؛ هر که توانائی رفتن بسوی آن را- از

جهت اسباب راه- دارد».

و با تأمل به سیرت پیامبر ﷺ در حج در میابیم که آن حضرت سعی کامل داشت که همه اهل بیت و اقارب شان در مراسم بزرگ حج شامل شوند، بطور مثال:

۱- همه همسران پیامبر (که در آن وقت نه تن بودند) در این سفر حضور داشتند.^۲

۲- آن حضرت افراد ضعیف اهل بیت خویش را نیز با خود گرفته بود.^۳

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۰۴.

۲ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۷۲۲. حافظ ابن قیم در زاد المعاد ۱۰۶/۲ و حافظ ابن کثیر در السیره النبویه ۲۲۲/۴ نیز تصریح نموده اند که همه همسران پیامبر در این سفر با ایشان بوده اند.

۳ - مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸؛ ۱۶۸۸. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۳.

۳- تشویق خویشاوندان - حتی اگر مریض هم باشد- برای شرکت در مناسک حج: چنانکه پیامبر خدا نزد ضباعه بنت زبیر ابن عبدالمطلب که دختر کاکای/ دختر عموی آن حضرت می‌شود رفت و فرمود: شنیدم که امسال نمیخواهی به حج بروی؟! ضباعه گفت: من مریض هستم و می‌ترسم مراسم را نتوانم بجا بیاورم و در نیمه راه باقی بمانم.

پیامبر ﷺ برایش فرمود: احرام ببند و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی.^۱ تنبیه: متأسفانه امروزه تعداد زیادی از مسلمانان -خصوصاً زنان- با وجود استطاعت بدنی و مالی، در ادای فریضه حج اهمال روا می‌دارند؛ حال آنکه در حدیث آمده که پیامبر ﷺ می‌فرماید: در بجا آوردن حج (فرضی) عجله ننماید، هیچ یک از شما نمی‌داند که چه برایش پیش خواهد آمد.^۲

سرپرست فامیل در این امر مهم نقش ارزنده‌ای دارد و اگر زیر دستانش فریضه حج را ادا نمایند برای او نیز ثواب و اجر نوشته خواهد شد، چنانچه در حدیث آمده که زنی، طفلی را برای پیامبر ﷺ نشان داد و گفت: یا رسول الله! آیا بر این طفل حج است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بلی و برای تو، ثواب است.^۳

و در این جا برای سرپرست خانواده ثواب خیلی زیادتر خواهد بود؛ چرا که حج بر اهل و عیالش فرض می‌باشد و حج برای آن طفل فرض نبوده است.

۴- کمک خواستن از آنها در امور حج

پیامبر ﷺ در حجة الوداع از خویشاوندان و اهل بیت خویش استعانت و کمک خواست. و در بعضی کارها ایشان را مأمور ساخته و یا به نیابت گرفته است، که چند مثال از آن را ذکر می‌نمائیم:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹. سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۹۳۶، ۲۹۳۷.

۲ - مسند احمد، حدیث شماره: ۲۸۶۸. این حدیث شواهد دیگری نیز در کتب حدیث دارد.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

- ۱- مأمور کردن عائشه صدیقه رضی الله عنها به بافتن گردن بندهای از پشم برای شترهای قربانی، قبل از احرام^۱.
- ۲- عبد الله ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر ﷺ در روز عقبه- در حالیکه بر ماده شترش سوار بود- فرمود: برایم سنگ ریزه جمع کن. و من برایش هفت سنگ ریزه جمع نمودم^۲.
- ۳- مأمور نمودن علی رضی الله عنه برای ذبح بقیه شترهای قربانی^۳؛ و این که گوشت و پوست همه شترهای قربانی را در بین مسلمانان تقسیم نماید^۴.
- ۴- و آن گاه که آن حضرت صلی الله علیه و آله دید پسرعموهایش مردم را از "زمزم" آب می نوشاند، از کاکایش (عمویش) عباس رضی الله عنه آب خواست و نوشید^۵.
- ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: برای پیامبر ﷺ آب (زمزم) دادم، و آن حضرت- درحالی که ایستاده بود- آب را نوشید^۶.
- ۵- عائشه رضی الله عنها می فرماید: پیامبر ﷺ را قبل از این که احرام ببندد و بعد از احرام هنگامی که می خواست طواف نماید با هر دو دست خویش خوشبو ساختم (و به دستهایش اشاره کرد)^۷.

۵ - تشویق اهل بیت بر کارهای خیر و عام المنفعه

طوری که می دانیم حج دروازه نیکی ها و فرصت طلائی برای ازدیاد طاعات و افزایش حسنات می باشد.

-
- ۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۹۶، ۱۷۰۵، ۱۷۰۴.
 - ۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.
 - ۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.
 - ۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸، ۲۲۹۹. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۷.
 - ۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۵.
 - ۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۳۷.
 - ۷ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۴. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۹.

و پیامبر ﷺ نیز در موسم حج اهل بیت خویش را به کارهای شایسته و پسندیده بیشتر تشویق می فرمود.

از آن جمله: وقتی که مشاهده نمود پسر کاکاهایش از چاه زمزم آب بالا می کشند و مردم را سیراب می نمایند، برای شان فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! به کارتان ادامه داده و برای مردم آب بدهید، شما بر کار شایسته ای هستید، و اگر ترس از ازدحام مردم نمی بود، من نیز شما را یاری می نمودم^۱.

بلکه آن حضرت ﷺ خدمات رفاهی و همگانی را برای اقارب خویش آسان نمود، چنانکه به عباس بن عبدالمطلب اجازه داد تا شبهای "ایام تشریق" را در مکه باشد تا خدمت آب دادن به حجاج را سرپرستی نماید^۲.

۶- وقایع اهل از وقوع در فتنه

فتنه ها دلها را فاسد نموده و عقل را از بین می برد و آن گاه که جمع زیادی از زنان و مردان یکجا جمع می شوند، امکان این هست که فتنه های زیادی به وقوع به پیوندند. و سر فهرست همه فتنه ها فتنه زنها است، و خصوصاً آنهایی که حجاب شرعی را رعایت نمی نمایند؛ لذا می بینیم که رسول خدا ﷺ بر اهل بیت خویش می ترسد و کوشش می کند که آنها را از این فتنه به دور نگهدارد.

بطور مثال: وقتی که دید فضل ابن عباس بطرف دختری از قبیله "خثعم" نگاه می کند، روی فضل را بطرف دیگر گرداند^۳.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸. هدف پیامبر ﷺ این است که اگر من از سواری پائین شوم و با شما آب بالا بکشم، مردم به من اقتدا کرده و این عمل را سنت میدانند و هرکس کوشش می کند که آب بالا بکشد و مردم را آب بدهد.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۵.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۵. مسند امام احمد، حدیث شماره: ۵۶۴.

و هم چنین آن حضرت برای همسران خود هدایت فرمود که در هنگام طواف با مردها اختلاط نداشته باشند.

در صحیح بخاری روایت شده است که امّ سلمه رضی الله عنها وقتی که از مریضی اش به آن حضرت شکایت برد، پیامبر ﷺ برای او فرمود: سواره، از پشت سر مردم طواف کن.^۱

تفصیلات بیشتر را از این روایت در میابیم که ابن جریر گفت:^۲

وقتی که "ابن هشام"^۳ زنها را از طواف با مردها منع کرد، "عطاء"^۴ گفت: چطور آنها را منع می کند در حالیکه زنان پیامبر با مردها طواف نموده اند. ابن جریر گفت: آیا بعد از نزول حکم حجاب بوده یا قبل از آن؟ گفت: بعد از نزول حکم حجاب. گفتم چگونه با مردها اختلاط داشته اند؟ عطاء گفت: با مردها اختلاط نداشته اند، عائشه رضی الله عنها دور از مردها و در یک گوشه طواف می نمود، زنی آمد و برایش گفت:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۹.

۲ - عبدالملک ابن عبدالعزیز بن جریر در سال ۸۰ هجری تولّد شد، اوّلین عالمی است که در مکه به تصنیف پرداخت. از بهترین و بزرگترین شاگردان "عطاء" می باشد، "اوزاعی" و "لیث ابن سعد" فقیه اهل مصر از شاگردان او هستند. او در سال ۱۵۰ هجری وفات نمود. نگا: سیر اعلام النبلاء ۳۳۲/۶. تقریب التّهذیب صفحه: ۳۹۴، راوی شماره: ۴۱۹۳.

۳ - ابراهیم ابن هشام، مامای (دایی) هشام ابن عبد الملک (خلیفه مشهور اموی)، و از طرف هشام والی مدینه منوره بوده است. و در زمان خلافت هشام، امیرالحج تعیین شد و او اوّلین کسی است که اختلاط زنان و مردان را در هنگام طواف ممنوع کرد. ابن هشام و برادرش محمّد را که والی "مکه" بود، یوسف ابن عمر ثقفی بدستور ولید (خلیفه اموی بعد از هشام) بقتل رسانید. نگا: فتح الباری ۶/۳۰۶.

۴ - عطاء ابن ابی رباح از تابعین مشهور و از شاگردان ابن عمر و ابن عباس، در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه در «مکه مکرمه» تولّد شد... و بعدها به مفتی حرم ملقب گردید. مجاهد ابن جبر و امام ابو حنیفه رحمتهما الله از شاگردان او هستند، در سال ۱۱۴ هجری وفات یافت. نگا: تقریب التّهذیب صفحه: ۴۲۷، راوی شماره: ۴۵۹۱. سیر اعلام النبلاء: ۵/۸۷.

ای امّ المؤمنین! برویم و "حجرالاسود" را بوسه زنیم. عائشه برایش گفت: از من دور شو، و با آن زن نرفت.

بلی! با حالت ناشناخته، شب هنگام بیرون می شدند و با مردها طواف می نمودند. و آنگاه که می خواستند داخل خانه شوند انتظار می نمودند تا مردها بیرون بیایند. و من و "عبید ابن عمیر"^۱ خدمت عائشه حاضر می شدیم و او در "جوف ثبیر" ساکن بود. ابن جریج پرسید: حجابش چی بود؟ عطا گفت: او در قبه ترکی بود و در بین ما و او پرده وجود داشت.^۲

و هم چنین پیامبر خدا ﷺ برای همسران خویش اجازه رَمَل (پهلوانی) کردن در حین طواف، و سعی شدید بین صفا و مروه را نداد، چنانکه از قول عائشه رضی الله عنها دانسته می شود که عده ای از زنها را مورد خطاب قرار داد و فرمود: آیا ما (زنهای پیامبر) برای شما قدوه نیستیم؟ بر شما پهلوانی در وقت طواف و دویدن بین صفا و مروه لازم نیست.^۳

متأسفانه در موسم حج بعضی انسانهای ضعیف النفس از بیر و بار (شلوغی) و ازدحام زیاد، سوء استفاده می نمایند و زنان بی حجاب و ساده لوح را با چشمان گنهکار نگریسته، بزرگی و عظمت این مکان مقدّس را فراموش می کنند و به بزرگی گناه خویش پی نمی برند.

پس برای سرپرست و مسئول فامیل لازم است که از پروردگار خوف نماید و مواظب و مراقب افراد تحت مسؤولیت خویش باشد.

۱ - عبید ابن عمیر مولی عبد الله ابن عباس رضی الله عنه. نگا: تقریب التّهذیب راوی شماره: ۴۳۸۶.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۸. برای آگاهی بیشتر از معنای حدیث مراجعه شود به: فتح الباری ۳/۶۰۶-۶۰۷.

۳ - السنن الکبری ۵/۸۴. مصنف ابن ابی شیبّه، حدیث شماره: ۱۲۹۵۱.

۷- نهی از منکر

رسول خدا ﷺ کوشش داشت که اهل و اقارب خویش را از گناهها دور داشته و از منکرات باز دارد و اگر می‌دید یکی از آنها در کار ناشایسته ای واقع شده بلا فاصله او را منع می‌فرمود. بطور مثال:

وقتی که مشاهده کرد فضل ابن عباس رضی الله عنهما بطرف دختری از قبیله خثعم چشم دوخته است، او را از نگاه کردن دوباره باز داشت و این کار را عملاً با دست خود انجام داد.^۱

آن حضرت وقتی که دید فضل گروهی از زنان را نگاه می‌کند، او را از این کار نهی کرد.^۲

و آن گاه که خطبه تاریخی و فراموش نشدنی خویش را در "عرفات" القاء کرد، فرمود: هر کاری از امور جاهلیت (قبل از اسلام) زیر پای من گذاشته شده است. سود زمان جاهلیت نیز گذاشته شده (باطل) است. و اولین سودی را که باطل اعلان می‌کنم، سود عباس ابن عبدالمطلب است که هیچ اعتباری ندارد.^۳

۸- آسانی و سهولت

آن حضرت ﷺ در موسم حج - بطور خاص - با اهل بیت خود شفیق و مهربان بود، بر ضعیف شان دلسوزی می‌کرد و امر آسان را برای آنها انتخاب می‌نمود. بطور مثال:

۱- آنگاه که دید ضباعه بنت زبیر مریض است، برایش فرمود: از مدینه به نیت حج بیرون شو و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی.^۴

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۱۳.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹.

- ۲- و چون امّ سلمه رضی الله عنها از مریضی خویش به آن حضرت شکایت برد، برای او فرمود: از پشت سر مردم سواره طواف کن.^۱
- ۳- برای عباس ابن عبدالمطلب اجازه داد که شبهای منی را در مکه باشد، تا امور سقایه را به پیش ببرد.^۲
- ۴- برای سالخوردگان و ضعیفان اهل بیت اجازه داد شب هنگام از "مزدلفه" بطرف "منی" حرکت کنند، تا از ازدحام در امان باشند.^۳
- قابل یادآوری است که در زمان پیامبر ﷺ که تعداد حجاج نسبت به این زمان بسیار اندک بوده است، باز هم آن حضرت با اهل و فامیلش اینقدر آسان‌گیری کرده و از نرمی و ملاطفت کار می‌گرفت. و در این زمان که تعداد حجاج خیلی زیاد است ما به رفق و آسانی بیشتر ضرورت داریم.
- پس در سایه قوانین شریعت اسلامی - خصوصاً با سالخوردگان و زنان - از رفق و آسانی بیشتری کار گرفته شود.

۹- صبر و برد باری

صبر و تحمل آن حضرت صلی الله علیه و آله در موسم حج امریست که احتیاج به دقت نظر ندارد؛ چرا که پیامبر در یک وقت معلّم همه مسلمانان و سرپرست تمام کارهای اهل و فامیلش بود، با وجودی که در بین اهل آن حضرت اشخاص سالخورده و عمر رسیده مانند: همسرش "سوده بنت زمعه"^۴ و مریض مثل "ضباعه"^۵ و "ام سلمه"^۶ وجود داشتند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۴.

۳ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۳۴. نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۱.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹.

۶ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

و هم چنین عده زیادی از اهل و عیالش و از آن جمله فاطمه علیها السلام^۱ (دختر آن حضرت) و همه همسران آن جناب^۲ به علاوه همه نوجوانان بنوهاشم و بنوعبدالمطلب^۳ با ایشان همراه بودند.

در برخورد با همه اینها صبر، تحمل، بردباری و از خود گذشتگی از خویش نشان داد که نظیر آن هرگز ارائه نشده است؛ آنها را راهنمایی و ارشاد فرمود^۴، با آنها شفقت و مهربانی کرده^۵ و بر آنها نفقه نمود^۶.

با ایشان همدردی کرد^۷، با ایشان ملاطفت و مزاح نمود^۸، حقوقشان را حفظ کرد^۹ و آنها را بر کارهای خیر تشویق فرمود^{۱۰}. و خلاصه اینکه همه این کارها را با پیشانی باز، چهره‌ی خندان و قلب مهربان انجام داد.

خداوند متعال جل جلاله اخلاق و اوصاف عالی پیامبر خویش را در قرآن کریم یاد آوری می‌نماید و می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴].

«و هر آینه تو بر خوی و اخلاق بزرگی هستی».

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - نگاه: سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۲۲. زاد المعاد ۲/۱۰۶.

۳ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۳۵۱۳.

۴ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸، ۴۳۹۸.

۶ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴، ۵۵۴۸.

۷ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۸۸ و صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۸ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۵۰۷.

۹ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

۱۰ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۱۰- همدردی با اهل و اقارب

رسول خدا ﷺ حال اهل خویش را مراعات می فرمود؛ آنچه می خواستند- اگر مخالف دستورات الهی نبود- برایشان بر آورده می ساخت. و اگر گاهی مخالف میل آنها کاری صورت می پذیرفت، آنها را دلداری می داد.

مثال بارز همدردی رسول خدا ﷺ در موسم حج با همسرشان عائشه رضی الله عنها به چشم می خورد، آن گاه که نزد عائشه رضی الله عنها داخل شد، دید که عائشه گریه می کند (چرا که عائشه بسبب حیض از عمره باز مانده بود)، در این حال پیامبر ﷺ او را تسلی داد و گفت: مشکلی نیست، تو از دختران آدم هستی، خداوند آنچه را بر آنها نوشته بر تو نیز نوشته است (یعنی حیض عام است و همه زنان حیض می بینند)، به حج خود ادامه بده شاید که خداوند عمره نیز نصیب تو کند.

و چون عائشه گفت: یا رسول الله! آیا دوستان من (کنایه از بقیه همسران پیامبر ﷺ) حج و عمره نموده بر می گردند و من تنها با حج بر می گردم؟ رسول خدا ﷺ، عبدالرحمن ابن ابوبکر رضی الله عنه (برادر عائشه) را دستور داد تا عائشه صدیقه را به "تنعیم" ببرد، و عائشه رضی الله عنها از آن جا برای عمره «لَبَّيْكَ» گفت^۱.

۱۱- احسان و نیکی با ایشان

وجوه احسان پیامبر ﷺ در موسم حج با اهل بیت و خویشاوندان آنقدر زیاد است که متأمل را وادار به اعتراف می نماید که تمام احوال آن حضرت احسان، نیکی و خوبی با اهل و عیالش بوده است.

بطور مثال چند واقعه را ذکر می نمایم:

آنگاه که رسول خدا ﷺ برای "ضباعه بنت زبیر" فرمود: مگر امسال قصد حج نداری؟ ضباعه گفت: قسم به خدا که خویش را بیمار می بینم.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۸۸، ۱۵۶۱. نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

پیامبر ﷺ فرمود: حج کن و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی!^۱
 از آن جمله: شرکت دادن همه همسرانش (امّهات المؤمنین) در حج^۲، و این کار بالاتر از عدل است، چرا که می‌توانست هیچکدام را همراه خویش نبرد و یا اینکه بین آنها قرعه بیندازد.

و از آن جمله: سوار نمودن فضل ابن عباس به پشت سر خویش از "مزدلفه" تا "منی"^۳.

و هم چنین قربانی نمودن از طرف همه همسران، بدون اینکه همسران آن حضرت در خواست نمایند از طرف همه آنها، گاو قربانی نمود^۴.
 در مثال‌های فوق گوشه‌هایی از جوانب کمال بشری آن حضرت و رفتار و اخلاق عالی با اهل و اقارب به چشم می‌خورد به طوری که می‌فرماید: بهترین شما، بهترین شما با اهلش می‌باشد و من بهترین شما با اهل خود هستم^۵.

احسان آن حضرت با اهل بیت، اقارب و خویشاوندانش نهایت ندارد...

مثال‌های فوق را بطور نمونه از احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و نزدیکان آن حضرت ذکر نمودیم... و چون اهل بیت و فامیل شخص، بهترین سرمایه و معاون برای آن شخص می‌باشند، لذا لازم است که در راه تعلیم دین و مسایل اسلامی به آنها از هیچ کوششی دریغ ننماید، و با تأسی از پیامبر خدا ﷺ برای راهنمایی و ارشاد آنها سعی و تلاش همه جانبه را به خرج دهد.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۲ - نگا: زاد المعاد ۱۰۶/۲، السیره النبویه ۲۲۲/۴.

۳ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۷۰۹.

۵ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۸۹۵.

فصل سوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت

درس و تعلیم

افتاء

پند و اندرز

توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد)

وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف

فصل سوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت

یک نگاه اجمالی به احوال پیامبر ﷺ در حج، بیننده را به تعجب و می‌دارد! رسول خدا در یک وقت به حیث معلم، سرپرست، قائد و امام صحابه کرام ﷺ بوده اند، اما محال است که انسان عملی را مشاهده کند که پیامبر خدا، آن را خلاف اولی انجام داده باشند، همه احوال پیامبر با امت دلالت بر عظمت، بزرگواری و بزرگ منشی آن حضرت می‌کند.

و ما بعضی از این احوال را به طور خلاصه ذکر می‌نمائیم:

۱- درس و تعلیم:

خداوند متعال پیامبر خود را به حیث "معلم" فرستاد^۱، و آن حضرت ﷺ در وظیفه مقدس معلمی به اوج کمال رسیده بود، "معاویه ابن حکم السلمی" رسول خدا را این طور توصیف می‌کند: قبل از رسول الله و بعد از ایشان معلمی را ندیدم که تعلیم بهتر و زیبا تر از تعلیم ایشان داشته باشد^۲.

و اگر در سفر حج پیامبر خدا ﷺ تأمل نمائیم، در میابیم که معاویه ابن حکم ﷺ آن حضرت را چه خوب توصیف کرده است؛ چرا که قبل از حج امر فرمود تا صحابه

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۴۷۸.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۵۳۷.

اعلان کنند که رسول الله امسال اراده حج را دارد، تا اگر کسی می‌خواست با پیامبر مرافق باشد، از قبل خبردار بوده و آمادگی لازم را بگیرد.

و یک روز کامل در ذوالحلیفه (میقات اهل مدینه) انتظار کرد تا مردم به ایشان به پیوندند^۱... از این لحاظ مردم زیادی به مدینه آمدند تا با پیامبر خدا ﷺ عازم سفر حج شوند، و مستقیماً خود شاهد اعمال و مناسک حج آن حضرت باشند^۲؛ حتی تعداد مشارکین در حجة الوداع به یکصد هزار نفر رسیدند^۳.

در طول سفر، آن حضرت با مردم همراه بود و آنها را سرپرستی می‌کرد^۴، هر شخصی به آسانی می‌توانست با آن حضرت ملاقات نماید، و هیچ کسی را از ایشان دور نمی‌کردند^۵.

آن حضرت ﷺ کوشش داشت که مسایل و امور حج را به همه برساند، و توجه جدی صحابه کرام را به کردار و گفتار خویش جلب می‌نمود، از همه اسالیب خطاب و روش‌های تعلیم استفاده کرد تا مردم بصورت صحیح‌تری مسایل را درک کنند، و امر کرد که مناسک را از او یاد بگیرند شاید که این حج، آخرین حج آن حضرت باشد^۶.

هنگامی که خطاب (سخنرانی) می‌نمود، بعضی از صحابه را دستور می‌داد تا مردم را ساکت کنند^۷، چنانکه جریر رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ در حجة الوداع برایش گفت: مردم را ساکت کن. و پس از آن فرمود: بعد از من کافر نشوید که

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱.

۲ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۹۰۵.

۳ - مختصر السیره، صفحه: ۵۷۲.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۷، ۱۲۱۸، ۱۲۷۳.

۵ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۴.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷.

۷ - نگاه: سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

گروهی از شما، گردنهای گروه دیگری را بزند^۱.

و هم چنین بلال رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دستور داد مردم را ساکت کند^۲ و از آنها خواست تا شهادت دهند که آن حضرت دین را بصورت کامل برایشان رسانده است، و هر بار بعد از رهنمائی و ارشاد از آنها سوال می‌کرد: خبر دار! آیا دین را رساندم؟!^۳

و صحابه کرام شهادت داده و می‌گفتند: دین را بصورت تمام و کمال رساندی و برای ما نصیحت و خیر خواهی نمودی^۴.

در مسأله تبلیغ و رساندن دین، تنها به خود اکتفا نکرد بلکه در وقت خطبه عرفه، "ربیعہ ابن امیہ رضی الله عنه" را دستور داد تا با صدای بلند خطبه آن حضرت را تکرار کند و برای مردم بشنواند^۵.

و در "منی"، علی رضی الله عنه سخنان آن حضرت را با صدای رسا تکرار می‌کرد و صحابه در حالیکه نشسته و یا ایستاده بودند، گوش فرا می‌دادند^۶.

و همچنین اشخاصی را به حیث نماینده فرستاد تا به خیمه‌های حجاج بروند و سخنان آن حضرت را برای آنها برسانند^۷.

و گاهی در امر تعلیم از نوعی ملاطفت و شوخی کار می‌گرفت، چنان که ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: ما، چند تن از نوجوانان بنو عبدالمطلب سوار خرها نزد آن

۱ - صحیح بخاری حدیث شماره: ۱۲۱.

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

۳ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱.

۴ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - السیرة النبویة: ۳۴۲/۴.

۶ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۹۵۶.

۷ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۳.

حضرت آمدیم، با دست مبارک خویش آرام بر رانهای ما می‌زد و می‌فرمود:

فرزندانم! قبل از طلوع آفتاب، جمره نزنید.^۱

ارشاد و تدریس آن حضرت تنها برای صحت‌مندان و بزرگ سالها نبوده، بلکه مریضها و ضعیفان را نیز شامل می‌شده است، چنانکه برای "ضباعه" رضی الله عنه گفت: حج کن و شرط بگذار تا آنجا که توانستی ادامه بدهی.^۲

و چون امّ سلمه رضی الله عنها از مریضی خویش به آن حضرت شکایت برد، برایش فرمود: از پشت سر مردم سواره طواف کن.^۳

و برای ضعیفان و سالخورده‌گان دستور داد که از "مزدلفه" هنگام شب و قبل از طلوع فجر بیرون شوند.^۴

به طوریکه ارشاد و رهنمایی آن حضرت، خورد سالان و اطفال را نیز شامل بود، و از آن جمله:

به ابن عباس رضی الله عنه فرمود: برایم سنگ‌ریزه جمع کن.

ابن عباس می‌گوید: برایش سنگ ریزه جمع کردم و آنها را بدست مبارک او گذاشتم، و آن حضرت فرمود: مثل اینها صحیح است.^۵

و برای نوجوانان بنی عبدالمطلب فرمود: قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید.^۶

ارشاد و راهنمایی آن حضرت برای صحابه کرام تنها جنبه علمی نداشت، بلکه جانب عملی و فلسفی آن را نیز برایشان واضح می‌ساخت؛ مثل فرموده آن حضرت:

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۵.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۹.

۵ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۵۹.

۶ - سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۹۴۰.

طواف خانه خدا، سعی بین صفا و مروه و رمی جمار بخاطر برپاداشتن یاد خدای بزرگ مشروع شده است.^۱

و گاهی نیز با ذکر فضایل خاصی برای بعضی اعمال، معنویات صحابه را بالا برده و عزم و اراده‌شان را مصمم‌تر می‌ساخت.
از آن جمله:

* فرموده آن حضرت ﷺ: بهترین دعا، دعائی روز عرفه است. و بهترین سخنی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».^۲

* و ارشاد مبارک: مسح "حجر الاسود" و "رکن یمانی" گناهان را می‌ریزند.^۳
* و هم‌چنین فرموده ایشان: کسی که به خانه خدا طواف کند و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند، مانند این است که غلام آزاد کرده باشد.^۴

* و آن گاه که از آن حضرت سوال شد کدام حج بهتر است؟ فرمود: حجّی که در آن تلبیه با صدای بلند گفته شود و شخص حج گذار قربانی نماید.^۵

* و قتیکه یکی از انصار در "منی" از فضایل بعضی از اعمال سوال کرد، آن حضرت ﷺ برایش فرمود: و چون از خانه ات بیرون شدی و قصد حج بیت الله الحرام را نمودی، به هر قدمی که سواری ات بردارد، خداوند متعال برای تو یک

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۸۸۸. شعب ابناؤوط این حدیث را در "تخریج جامع الأصول" حدیث شماره: ۱۵۰۵، "حسن" قرار داده‌است.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۵۸۵.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۷۲۹، صحیح ابن حبان، حدیث شماره: ۳۶۹۸ با اسناد قوی.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۹۵۶.

۵ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۲۷.

نیکی نوشته و یک بدی را محو می‌کند. و آن گاه که در "عرفه" ایستادی پروردگار بزرگ به آسمان دنیا آمده^۱، به ملایکه خویش فخر میکند و می‌فرماید:

«اینها بندگان من هستند، گرد و غبار زده و خاک آلوده از راههای دور آمده‌اند؛ رحمت من را می‌خواهند و از عذابم می‌ترسند در حالیکه من را ندیده‌اند، پس چطور اگر من را ببینند؟!»

پس اگر گناهان تو به اندازه ریگهای عالج (اسم ریگزار وسیعی در عربستان)، یا روزهای دنیا و یا به اندازه قطره‌های باران باشد، خداوند همه آنها را از تو شسته و تو را از گناه پاک می‌کند، و اما "رمی جمار" ثوابش برای تو ذخیره است، و چون طواف خانه را انجام دادی از گناهان خویش طوری بیرون می‌آئی (پاک می‌شوی) مثل روزی که از مادر تولد شدی (و بی گناه بودی)^۲.

و از مهمترین اموری که پیامبر بزرگوار اسلام به تعلیم آن اهتمام خاص ورزیده‌اند:

الف: احکام مناسک: که رسول خدا ﷺ آن را زبانی بیان فرموده و بعداً عملی برای صحابه نشان داد، چنانکه روز قبل از یوم الترویة (روز هشتم ذوالحجه) برای مردم، خطبه ارشاد کرده و مناسک را بیان نمود^۳... و بعداً در وقت انجام دادن هر یک از "نُسک" حکم آن را برای صحابه بیان می‌فرمود^۴.

۱ - چنان که لایق شأن او تعالی است بدون تشبیه و تمثیل و تعطیل، برای تفصیل بیشتر این موضوع به کتاب شرح عقیده طحاویة تألیف ابن ابی العز حنفی و سایر کتب عقیده مراجعه شود.

۲ - مصنف عبدالرزاق، حدیث شماره: ۸۸۳۰ و لفظ حدیث از او است. احادیث مشابه این حدیث را می‌توان در: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۸۴، و جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۵۸۵ یافت.

۳ - مستدرک حاکم ۶۳۲/۱، علامه البانی در "صحیح الجامع"، حدیث شماره: ۴۷۷۴، این حدیث را صحیح گفته است.

۴ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۵، سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۹۵۹.

ب: بیان منزلت ارکان و قواعد اسلام؛ که در یکی از خطبه‌های خود فرمود: از پروردگار خویش بترسید، و نمازهای پنج وقت تان را بخوانید، ماه رمضان را روزه بگیرید، و زکات مال‌های خویش را پردازید، از ولی امر خود اطاعت نمائید به بهشت پروردگارتان داخل می‌شوید.^۱

ج: نهی اکید از شرک و بعضی محرمات (مثل خون، مال و آبرو) که همه ادیان سماوی بر تحریم آن اتفاق دارند، و فرمود:

خونها، مالها و آبروهایتان در بین شما حرام است مثل حرمت این روز در این ماه و در این شهر.^۲

و امروزه که میلیون‌ها انسان در موسم حج از اطراف و اکناف عالم اسلامی با شوق و علاقه وافر راهی اماکن مقدّس می‌شوند، فرصت طلایی برای علما و دعوتگران است که از این اجتماع ملیونی عظیم استفاده نموده، اصول و احکام دین را برای مسلمانها بیان کنند.

و هم چنین برای عامه مسلمانان لازم است فرصت را غنیمت شمرده و از علمای کرام استفاده بیشتری ببرند.

۲- افتاء

از مهم‌ترین احوال و وظایف پیامبر ﷺ در حج بیان مسایل دینی و افتا برای مردم بود؛ چرا که در هر مشکل و یا مسأله‌ای که برای صحابه پیش می‌آمد به آن حضرت رجوع می‌نمودند.

فتاوی پیامبر در موسم حج بسیار زیاد است، و ما بطور نمونه بعضی از آنها را ذکر می‌نمائیم:

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷.

زنی از قبيله «خثعم» گفت: یا رسول الله! پدربم پیر و سالخورده است و حج برایش فرض شده و او خود نمی‌تواند بر پشت شتر قرار بگیرد! پیامبر ﷺ فرمود: تو از جای پدرت حج کن^۱.

و هر آن کسی که از تقدیم و یا تاخیر در اعمال روز نحر (روز عید قربان) سوال می‌کرد، آن حضرت برایش می‌فرمود:

«إفعل ولا حرج^۲» یعنی: انجام بده و باکی ندارد.

از خلال فتواهای پیامبر در روزهای حج امور ذیل برای ما به خوبی واضح می‌شود:
- آن حضرت ﷺ در مقابل مردم ایستاده بود و همگان او را می‌دیدند تا در سوال کردن به مشکلی برخورد نکنند، چنانکه جابر رضی الله عنه روایت می‌کند:

پیامبر خدا در حجة الوداع، طواف خانه را در حالیکه سواره بود انجام داد، "حجر الاسود" را با عصایش استلام نمود تا مردم ایشان را خوب ببینند و اگر خواستند از آن حضرت ﷺ سوال کنند^۳.

و در حدیث عبدالله ابن عباس رضی الله عنه آمده که: پیامبر خدا روبروی مردم ایستاده و به سوال‌های‌شان پاسخ می‌داد^۴.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳، البته ترتیب در اعمال حج در مذهب حنفی واجب می‌باشد یعنی شخص حاجی اعمال روز عید قربان را باید اینطور انجام دهد: ۱- زدن جمره ۲- تراشیدن موی سر ۳- قربانی و پس از آن خود را حلال کند، و اگر کسی ترتیب را ترک کرد، دم (قربانی) برایش لازم می‌شود. برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: فتح القدیر از کمال ابن همام حنفی ۴/۸۸۸. و مولانا ظفر احمد عثمانی تھانوی در "إعلاء السنن" دلیل احناف را عمل پیامبر دانسته است که به همین ترتیب عمل کرده و همچنین فرموده اند: مناسک حج خود را از من بگیرد. نگاه: إعلاء السنن: ۱۰/۱۶۰، عمدة القاری ۴/۷۴۰.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۳.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۲۲۸.

- پیامبر خدا ﷺ در فتواهایش جانب آسانی و تخفیف برای مردم را به شدت مراعات می فرمود. بطور مثال:

الف - چنانکه آنحضرت ﷺ برای ضباغه بِهَلَالَتِهَا اجازه دادند تا در حج خویش شرط بگذارد.^۱

ب - عبدالله ابن عمرو رضی الله عنه می فرماید که: او پیامبر خدا را دید که در روز نحر (روز دهم) برای مردم خطاب می نمود، شخصی ایستاد و گفت: گمان می کردم که فلان عمل قبل از فلان عمل است، بعدا کسی دیگر ایستاده و گفت: قبل از اینکه قربانی کنم سر خویش را تراشیدم و پیش از «رمی جمار»، قربانی نمودم و کسانی دیگری نیز مثل این اقوال گفتند.

پیامبر ﷺ برای هر یک از ایشان می فرمود: به حج خود ادامه بده و باکی ندارد.^۲

ج - در حدیث عبدالله ابن عمر آمده است که عباس ابن عبد المطلب از پیامبر اجازه خواست که شب های «منی» را بخاطر سقایه در «مکه» بماند، پیامبر خدا برایش اجازه دادند.^۳

- آن حضرت کوشش داشتند تا شخص سوال کننده را قناعت بدهند که در ذهنش هیچ شک و شبهه ای باقی نماند.

چنانکه شخصی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا! پدرم مسلمان شده و او خیلی پیر است و بر سواری (مرکب) قرار گرفته نمی تواند، آیا من بجای او حج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بر ذمه پدرت قرض با شد و تو قرض او را ادا نمائی، آیا قرض اداء می شود؟ آن شخص گفت: بلی ادا می شود.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۶.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۴.

پیامبر ﷺ فرمود: پس از جای پدر خود حج کن^۱ (که این هم صحیح است و ادا می‌شود).

بردباری آن حضرت در مقابل سؤال کنندگان

ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: جمع غفیری از مردم در اطراف آن حضرت حلقه زده و می‌گفتند: این محمد است، این محمد است - حتی مردم از خانه‌هایشان بیرون شدند - و با وجود این همه ازدحام کسی را از جلو پیامبر دور نمی‌کردند و نه هم افرادی مأمور باز کردن راه بودند، و چون ازدحام مردم زیاد شد، آن حضرت ناچه خویش را سوار شد^۲.

حتّی رسول خدا سعی بین "صفا" و "مروه" را نیز سواره برشترانجام داد^۳ (در حالیکه این عمل سنت نیست و پیامبر ﷺ این کار را بخاطر ضرورت انجام داد تا همه مردم او را ببینند و سخن او را بشنوند).

"قدامه عامری رضی الله عنه" می‌فرماید: پیامبر خدا را دیدم که در روز نحر (روز عید قربان) سوار بر "صهبا" (اسم ناچه آن حضرت) جمره زد، در اطراف آن حضرت زدن و دفع کردن نبود، و نه هم کسی به مردم می‌گفت که دور شوید، دور شوید^۴.

فتاوی پیامبر ﷺ در امور حج

بطور مثال: چون "اسماء بنت عمیس رضی الله عنها" در "ذوالحلیفه" وضع حمل نمود، کسی را نزد پیامبر فرستاد که بعد از وضع حمل چه بکند؟

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۸۱۲.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۶۴.

۳ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۸۴۲، و این حدیث "حسن" است.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۳۵.

پیامبر ﷺ فرمود: غسل کرده و با پارچه ای مکان خون (فرج) را بسته کند و پس از آن احرام ببندد^۱.

- و از جمله فتاوی آن حضرت در امور غیر حج

«ابوقتاده رضی الله عنه» می فرماید: با پیامبر ﷺ به قصد سفر حج حرکت نمودیم ... و در حدیث قصه شکار گورخر وحشی را بیان می کند که دوستان ابوقتاده - در حالی که محرم بودند از آن خوردند- و بعدا فکر کردند که چرا گوشت شکار را در حالت احرام خورده اند؟! ... و بقیه گوشت را با خود گرفتند تا به نزد رسول خدا آمدند و سوال نمودند که ای پیامبر خدا! ما همه احرام بسته بودیم و ابوقتاده هنوز احرام نبسته بود، گوره خره های وحشی را دیدیم، ابوقتاده به آنها حمله کرد و گورخر ماده ای از آنها را شکار نمود.

بعداً در جایی استراحت نمودیم و از گوشت آن گورخر نیز مقداری خوردیم و پس از آن به فکر افتادیم که چرا در حالی که احرام بسته ایم از گوشت شکار خوردیم؟ و حالا باقی مانده گوشت را با خود آوردیم. پیامبر ﷺ فرمود: آیا کسی از شما ابوقتاده را امر به شکار کرد، و یا به سوی شکار اشاره کرده است؟ گفتند: نه. فرمود: بقیه گوشت آن را نیز بخورید^۲.

تنوع جوابدهی آن حضرت برای سؤال کنندگان

که گاهی جواب کوتاه و خاص برای شخص سوال کننده می داد، مثل جواب آن حضرت برای دختری از قبیله خثعم که سوال نمود: یا رسول الله! حج، بر پدرم که پیر و ناتوان است فرض شده است و او خود را بالای سواری نمی تواند نگه دارد، آیا

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۹۶.

من به جای او حج کنم؟ فرمود: بلی^۱.

و گاهی نیز جواب عام می‌دادند تا همه مردم و اطرافیان نیز مستفید شوند، چنانکه در حدیث "عبدالرحمن ابن یعمر رضی الله عنه" آمده است که: گروهی از اهل "نجد"^۲ خدمت پیامبر خدا در "عرفات" رسیدند و سوال نمودند، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله منادی را امر نمود تا در بین مردم فریاد بزند: حج، عرفه است^۳.

- بعضی اوقات، آن حضرت فتوایشان را با نوعی تشویق و ترغیب همراه می‌ساختند.

بطور مثال: زنی در "روحا" طفلی را بلند کرد و از پیامبر خدا سوال نمود: آیا بر این طفل حج هست؟ آن حضرت فرمود: بلی و برای تو نیز ثواب دارد^۴ (که سرپرست و مساعد طفل هستی و او را از خردسالی با این فریضه آشنا می‌سازی).

خلاصه اینکه فتاوی‌ای پیامبر در موسم حج خیلی زیاد می‌باشد؛ آن حضرت در مدینه منوره^۵ (قبل از حرکت به سفر حج) و در هنگام احرام بستن در ذوالحلیفه^۶، در بیت الله الحرام^۷، در عرفات^۸، در مزدلفه^۹ و منی^{۱۰}، در وقت حرکت بین مشاعر مقدسه^{۱۱} و در راه بازگشت بسوی مدینه^{۱۲} به سوال‌های حجاج پاسخ داده‌اند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۱۳.

۲ - قسمت بالائی عربستان و مقابل آن "تهامه" است، شهر ریاض (پایتخت عربستان) جزء نجد بشمار می‌رود.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۹.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۶، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۶۶.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۷ - نگاه: فتاوی آن حضرت برای "سراقه ابن مالک" در صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۸ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۹.

و امروزه نیز برای دعوتگران و علمای کرام که وارثین انبیا و پرچم داران اسلام هستند، لازم است که مردم را ارشاد و رهنمائی نموده و آنها را از سر درگمی در آورند. و اگر هرعالمی به زبان محلی خویش و برای قوم خود، مسایل را بفهماند خیلی از مشکلات حجاج به سادگی و آسانی رفع خواهد شد.

و همچنین، عوام الناس باید بدانند که در مسایل خویش به هرکس رجوع نکنند؛ بلکه قبل از آن تقوی، ثبات علمی و فهم طرف را دیده و بعدا از او فتوی بخواهند.

۳- پند و اندرز

دین نصیحت و خیر خواهی است. ارشاد و راهنمائی مردم و اندرز دادن ایشان از وظایف اولیه مصلحین و دعوتگران می باشد.

خداوند متعال پیامبران خویش را دستور داده که مردم را نصیحت نمایند، چرا که وعظ و نصیحت به قلب طرف اثر گذاشته و کمک می نماید تا از خطا و لغزش دست بکشد و از غفلت بیرون بیاید، عظمت پروردگار بزرگ را به یاد او آورده باعث امتثال دستورها و اجتناب از نواهی او تعالی می شود.

خداوند متعال ﷻ می فرماید:

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الذاریات: ۵۵].

«و پند ده، هر آینه پند دادن مؤمنان را سود می دهد».

از این لحاظ پیامبر خدا ﷺ با عنایت و اهتمام خاصی اصحاب خویش را یاد دهانی (اندرز) داده، و با روش ها و اسالیب مختلف به وعظ و نصیحت آنها

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۹۱.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۳.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

می‌پرداخت، اَمّت خویش را به خیر و خوبی ارشاد نموده و به آن ترغیب داد، از شر و بدی نهی نمود و از آن ترسانند.

از عادات شریفه آن حضرت این بود که وقت مناسب سنجیده، و برای اصحاب خویش ارشاد می‌فرمود؛ سخنان بسیار بلیغ و فصیح که چشمها را اشکبار و دلها را نرم می‌ساخت.^۲

و همه این زحمات به این خاطر که یکی از مهمترین وظایف پیامبران وعظ و نصیحت قوم می‌باشد.

در حج نیز آن حضرت، فرصت اجتماع کم نظیر مردم را غنیمت شمرده، و آنها را در جاهای مختلف وعظ و نصیحت فرمود.

و اگر با امعان نظر و دقت کامل در نصایح آن حضرت بنگریم امور ذیل برای ما واضح خواهد شد:

الف - کثرت وعظ آن حضرت در مناسبت‌ها و جاهای مختلف: از آن جمله خطبه تاریخی‌شان در "عرفات"^۳، و در وقت حرکت و انتقال بین مشاعر^۴، و خطبه در روز نحر در "منی"^۵، و در روزهای تشریق^۶، و در راه برگشت بسوی مدینه منوره^۷.

۱ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۰.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۶۷۶.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۱، مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۲۶۴.

۵ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱، ۴۴۰۳، ۴۴۰۶، ۵۵۵۰.

۶ - نگاه: مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۷ - مراجعه شود به وعظ و نصیحت آن حضرت برای مردم در "غدیر خم" اثناء بازگشت از حج که امام احمد و حافظ ابن کثیر از روایت علی رضی الله عنه و بعضی دیگر از صحابه آنرا آورده‌اند، داستانش از این قرار است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی رضی الله عنه را در رأس گروهی از صحابه به یمن

کثرت خطبه‌ها و وعظ‌ها به این خاطر بود که آن حضرت می‌دانست که این اجتماع عظیم انسانی دیگر تکرار نخواهد شد و از طرفی مردم در موسم حج تأثر بیشتری گرفته و صحبت‌ها را بهتر قبول می‌کنند.

ب- آن حضرت ﷺ فرصت را غنیمت شمرده و در بین صحبت‌های خویش و موافق مردم نوعی ارتباط بوجود می‌آورد، چنانچه وقتی برای مردم در روز نحر خطبه داد فرمود: آیا می‌دانید که امروز چه روزیست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌داند. پیامبر ﷺ ساکت شد تا جائیکه گمان کردیم آن روز را اسم دیگری می‌گذارد.

فرمود: آیا امروز، روز نحر نیست؟ گفتیم: بلی هست.

فرمود: این کدام ماه است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌داند. پس آن حضرت سکوت نمود تا جائیکه گمان نمودیم که اسم دیگری برایش می‌گذارد.

فرستاده بود و در طول سفر بین علی علیه السلام و سائر صحابه ی کرام بعضی مشاجرات بوقوع پیوست اما همراهان او فکر کردند که علی با بخل و شدت بیش از حد با آنها برخورد کرده است. این افراد بعد از پایان یافتن مأموریت خویش به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه باز گشته و در مراسم حج شرکت جستند و در ایام حج و بعد از آن شروع کردند به بد گفتن علی علیه السلام و این که با آنها در طول مأموریت با بخل و قساوت رفتار کرده است. و چون این جریانات به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، پس از بیرون شدن از مکه بسوی مدینه در "غدیر خم" (جایی در سه میلی جحفه در بین راه مکه و مدینه)، روز یکشنبه هیجدهم ذوالحجّه در زیر درختی ایستاده و برای مردم خطبه داد، بعضی از مسایل را برای صحابه کرام بیان فرمود و از آن جمله فضایل اهل بیت و بطور خاص فضایل علی مرتضی علیه السلام را بیان نمود و شک و شبهه‌ای که در ذهن بعضی از صحابه نسبت به علی علیه السلام پیدا شده بود را از ذهن‌های آنها پاک کرد و فرمود: کسی که من را دوست دارد، باید این علی را نیز دوست داشته باشد، بار خدایا! هرکه علی را دوست دارد، دوست بدار، و هرکه او را دشمن بدارد دشمن بدار ... برای تفصیل بیشتر به: مسند امام احمد حدیث‌های شماره: ۹۰۶، ۹۱۵، ۱۲۴۲، ۲۲۴۶۱ و البدایة و النهایة از حافظ ابن کثیر ۲۳۳/۵-۲۴۰ و السیرة النبویة از ابن هشام ۴/۴۱۶ و کتاب عقیده امامت و حدیث غدیر از مولانا محمود اشرف عثمانی دیوبندی مراجعه شود.

فرمود: آیا ذوالحجّه نیست؟ گفتیم: بلی، ماه ذوالحجّه است.

گفت: این کدامین شهر است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌داند. رسول خدا ساکت شد تا آنجا که فکر کردیم اسم دیگری برایش انتخاب می‌نماید.

گفت: آیا "بلد الحرام" نیست؟ گفتیم: بلد الحرام است.

و آن گاه فرمود: خونها و مال‌هایتان در بین شما حرام است، مثل حرمت این روز شما، در این ماه و در این شهر شما تا روزی که پروردگارتان را ملاقات می‌نمائید.^۱

و آن گاه که از آن حضرت از تقدیم و تأخیر در اعمال یوم النحر (روز عید قربان) سوال شد، فرمود: حرجی نیست (باکی ندارد) مگر کسی که آبروی برادر مسلمان خویش را مورد حمله قرار دهد، آن حرج است و هلاکت^۲.

ج- رسول گرامی ﷺ بعضی از مسایل را در بیش از یک جا تکرار نمودند تا اهمیت این مسایل را برای مخاطبین بهتر واضح ساخته باشند، مثل تأکید آن حضرت بر حرمت خون، مال و آبرو که در روز عرفه^۳، روز عید قربان^۴ و در ایام تشریق^۵ این سخنان را تکرار نمودند، حتی که در روز نحر چند بار این سخنان را تکرار نمود^۶ تا که صحابه کرام به عمق مسأله و اهمیت آن پی ببرند.

د: و از نکات مهمی که در وعظ و ارشاد آن حضرت متوجّه می‌شویم که سخنانشان در نهایت روشنی و فصاحت کامل بوده، از انتخاب الفاظ سخت و غریب خود داری نموده است تا که همه صحابه از صحبت‌های گهربار او استفاده یکسان نمایند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱.

۲ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۲۰۱۵.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷.

۵ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۶ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۹.

و همچنین آن حضرت آنچه به مردم وعظ می نمود، قبل از همه خود مبارک ﷺ به آن جامه عمل می پوشانید. و از چیزی که مردم را نهی می کرد خود آن حضرت از آن چیز خویشتن را به کلی دور نگه می داشت.

و نیز مشاهده می نمایم که اصول دین و قواعد کلی آن را چندین مرتبه ذکر نموده و مسایل حقوق العباد را با اهمیت بیشتر بیان می نماید.... و در موعظه های خویش از صحابه کرام استمداد می جسته تا سخنان آن حضرت را با صدای بلند به مردم برسانند، چنانکه "بشر ابن سعیم رضی الله عنه" می گوید: پیامبر خدا در ایام تشریق به او دستور داد تا بین حجاج با صدای بلند اعلان کند: به جنت داخل نمی شود مگر نفس مؤمن^۱....

و همچنین آن حضرت در خطبه ها و سخنرانی های خود تنها بر تریب (بیم دادن و ترساندن) اکتفا نمود، بلکه در جاهای زیادی حاضرین و صحابه کرام را ترغیب میداد، چنانکه فرمود: کسی که برای خدا حج ادا نماید و فسق و فجور نکند، بر می گردد مانند روزی که از مادر تولد شده باشد^۲ (یعنی پاک از گناهان).

و در روز عرفه فرمود: خداوند متعال به این جمع تان فضل و کرم خاصی نموده، تا جایی که بدکار شما را به نیکو کارتان بخشید و برای نیکو کارتان هرچه درخواست نمود، داده است^۳.

آن حضرت در موعظه ها و خطبه های خویش قضایای مهمی را مطرح کرده و روی آن قضایا تأکید می فرمود. از آن جمله:

الف: امر به تقوی و خوف الهی و راهنمایی به آن اعمالی که انسان را به بهشت داخل می کند، طوری که فرمود: از پروردگار خویش بترسید، نمازهای پنج وقت را

۱- صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۹۶۰.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۲۱.

۳- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

ادا نمائید، ماه رمضان را روزه بگیرید، زکات اموال تان را پردازید و از ولی امر خود اطاعت نمائید به بهشت پروردگارتان داخل می شوید.^۱

ب: یاد دهانی و اندرز بر اینکه هیچ شخصی گناه شخص دیگر را به دوش نمی کشد و هر انسان در نزد پروردگار مسئول اعمال فردی خویش می باشد، چنانکه فرمود: آگاه باشید! هر کسی که جنایتی انجام دهد، فقط همان کس مسئول عواقب آن جنایت خواهد بود. پدر از گناه پسر و پسر از گناه پدر سوال نمی شود.^۲

ج: تشویق به اخلاق پسندیده و کارهای نیک و ترک گناه و نافرمانی، مثل فرموده آن حضرت: کسی که حج کند و نافرمانی و گناه ننماید، بر می گردد مانند روزی که از مادر زاده شده.^۳

و چون از آن حضرت سوال نمودند نیکی حج چیست؟ فرمود: طعام دادن و سخن نیکو گفتن.^۴

د: بر حذر داشتن از غلو (زیاده روی) در دین، چنانکه فرمود:

ای مردم! از غلو در امور دینی بپرهیزید؛ چرا که پیشینیان از شما را غلو در دین هلاک نموده است.^۵

ه: وصیت به نیکی با پدر و مادر و نگه داشتن روابط خویشاوندی، که آن حضرت ﷺ در خطبه "مِنی" این امر را با تأکید زیاد ذکر نمود و فرمود:

به مادر و پدر، خواهر و برادر خویش نیکی نمایید، بعد از آن هر که نزدیک تر باشد.^۱ یعنی مستحق نیکی، مواسات و تمام خوبی های که شخص انجام می دهد

۱- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

۲- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۶۶۹.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۸۱۹.

۴- صحیح الجامع از آل بانی، حدیث شماره: ۲۸۱۹، مستدرک حاکم/۱/۶۵۸.

۵- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

قبل از همه مادر و بعد از آن پدر و خواهر و برادر می‌باشند و همین طور بر اساس نزدیکی و قرابت خونی و رشته‌ای.

و: وصیت خاص به نیکی درباره زنان و برده‌ها و دستور اکید مبنی بر احسان با آنها: در این مورد فرمود: از خداوند متعال در باره زن‌ها بترسید، شما زن‌ها را به امان از طرف خداوند گرفته‌اید و فرج‌های آنان به کلمه‌ای از طرف خدا (نکاح شرعی) برایتان حلال شده است.^۲

و پس از آن بعضی از حقوق مدنی زن و شوهر را بیان کرد و فرمود: از حقوق مرد، بر همسرش این است که کسی را که شوهر دوست ندارد به خانه‌اش راه ندهد و اگر این کار را انجام داد، شوهر می‌تواند همسرش را تأدیب نماید.^۳

و در روایت دیگری آمده است: آگاه باشید! با زنان به نیکویی برخورد نمائید، چرا که آنها در نزد شما مانند اسیر می‌باشند.^۴

و در باره برده‌ها فرمود: برده‌هایتان، برده‌هایتان، از آن چیزی که می‌خورید برای آنها بدهید و به آنها لباسی بپوشانید که شما خود می‌پوشید، و اگر گناهی انجام دادند و شما نخواستید از آنها درگذرید، آنها را عذاب نکنید بلکه به فروش برسانید.^۵

ز: تشویق بر اجتناب از اذیت دیگران، و ترک معصیت خدای متعال، چرا که فرمود: آیا مؤمن را برای شما معرفی ننمایم؟! کسی است که مردم او را بر مال‌ها و

۱- صحیح الجامع، حدیث شماره: ۱۴۰۰

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳- مصدر سابق.

۴- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۰۸۷.

۵- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۶۴۰۹، با اسناد ضعیف. اما اصل این حدیث در صحیحین از حدیث ابوذر رضی الله عنه موجود می‌باشد. نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۶۱.

جانهای خویش امین بشمارند، مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش سلامت زندگی نمایند، و مجاهد شخصی است که در راه خداوند بر علیه نفس خود جهاد کند و مهاجر آن کسی است که گناهها و خطاها را ترک نماید.^۱

ح: تشویق آن حضرت برای صحابه که دین را طوریکه شنیده‌اند برای بقیه مردم نیز برسانند.

و همچنین آنها را از اینکه بر پیامبر خدا دروغ ببندند سخت بر حذر داشت، و در این مورد فرمود: شما من را دیدید و از من چیزهایی شنیدید و مردم از شما درباره من سوال خواهند نمود، پس کسی که بر من دروغ ببندد باید جایگاه خویش را در آتش جهنم آماده سازد.^۲

و بالاخره اینکه ترغیب دادن صحابه کرام به تضرّع، مناجات و نیایش به حضور ربّ العزت جلّ جلاله، و در این مورد فرمود: خداوند متعال در هیچ روزی بیشتر از روز عرفه، بنده‌ها را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند. و خداوند در این روز (به آسمان دنیا) نزدیک می‌شود (چنانکه شایسته او تعالی است بدون تشبیه و تمثیل)، به ملائکه خویش مباهات می‌کند و می‌فرماید: اینها (این انسانها) چی می‌خواهند؟!^۳ خواننده نهایت محترم! رسول خدا ﷺ بهترین و پاکترین این امت یعنی صحابه کرام رضوان الله عنهم اجمعین را که شاگردان مکتب نبوّت و تربیت شدگان دامان پاک پیامبر بودند، را با اهتمام بیش از حد وعظ و نصیحت می‌فرماید، پس امروزه - که متأسفانه - عده زیادی از مسلمانان در جهل و بیسوادی بسر می‌برند، بدعتها و رسومات را روش زندگی خویش قرار داده و از سنت و اتباع آن دور شده‌اند، نیاز

۱- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۹۳۶.

۲- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۳۵۴۴.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۴۸.

بیشتر دارند تا علمای کرام واجب دینی شان را ادا نموده، و مردم را ارشاد و رهنمایی نمایند تا گمشدگان بار دیگر راهشان را پیدا کنند و سنت پیامبر گرامی اسلام را سرمشق زندگی خویش قرار دهند.

۴- توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد)

اسلام، خضوع و گردن نهادن تنها برای پروردگار لاشریک و فرمانبرداری از دستورات پیامبر او را برای پیروان خویش درس می‌دهد، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه داور کنند تو را در اختلافی که میان ایشان واقع شد، باز در دل‌های خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی نیابند و کاملاً گردن نهند».

و پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: هرگز ایمان نیاورده است یکی از شما، مگر اینکه خواهش نفس خویش را تابع آنچه که من آورده‌ام قرار دهد.^۱

از امام شافعی رحمته روایت شده است: اجماع امت اسلامی بر اینست که اگر کسی سنت رسول خدا برای او واضح شد، جایز نیست که سنت رسول خدا را به قول شخص دیگری ترک نماید.^۲

و حج مدرسه ایست که مسلمانان در آن درس انقیاد و تسلیم در برابر دستورات خدا و رسولش را فرا می‌گیرند، پیامبر خدا ﷺ در این مدرسه اصحاب خویش را بر

۱- الإبانة الكبرى از ابن بطه: ۲۹۸/۱، این حدیث را امام نووی رحمته در آخر اربعین نووی، صحیح گفته است. و حافظ ابن حجر می‌گوید: رجال حدیث ثقه هستند. نکا: فتح الباری: ۳۶۴/۲۰.

۲- مدارج السالکین از حافظ ابن قیم: ۳۳۵/۲.

اتباع و فرمانبرداری تربیت کرد و اهمیت تأسی و اقتدا به سنت و رفتار پیامبر را در نفوس آنها غرس نمود.

در نتیجه تربیت سالم و اساسی پیامبر خدا مثالهای زیر را از زندگی صحابه کرام مشاهده می‌نمائیم:

الف: عمر فاروق رضی الله عنه به "حجر الاسود" نزدیک شده و آنرا می‌بوسد و پس از آن می‌فرماید: من خوب می‌دانم که تو سنگ هستی به کسی فایده و یا ضرری رسانده نمی‌توانی. و اگر من پیامبر خدا را ندیده بودم که تو را می‌بوسد، هرگز تو را نمی‌بوسیدم.^۱

و فرمود: انجام دادن "رَمَل" و "اضطباع"^۲ چرا؟ در حالیکه خداوند متعال اسلام را ثابت ساخته و کفر و اهل آنرا از بین برده است! اما با وجود این، کاری را که در زمان رسول خدا انجام می‌دادیم ترک نمی‌کنیم.^۱

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۹۷.

۲- "رَمَل" در زبان عربی، تیزرفتن و تکان دادن شانه‌ها در سه شوط اول طواف قدوم را می‌گویند. و اضطباع این است که شخص طواف کننده ردا (احرامی) را از زیر شانه راست خویش بگذرانند طوری که شانه چپ خود را با آن بپوشانند و این یک نوع آمادگی می‌باشد. و اضطباع خاص به طواف قدوم است. برای تشریح بیشتر معنای رَمَل و اضطباع مراجعه شود به: النهایة فی غریب الاثر: ۲/۲۶۵، لسان العرب: ۸/۲۱۶.

و ناگفته نباید گذاشت که منظور از رمل و اضطباع در اول امر، اظهار قوت مسلمانان بوده است (که برای عمره القضا آمده بودند) تا مشرکین که گمان می‌کردند آب و هوای مدینه برای مسلمانان تأثیر بد گذاشته، و هم چنین مهاجرت و دوری از وطن و زندگی سخت با مشکلات و نابسامانیهای هجرت آنها را ضعیف ساخته است، مشاهده نمایند که مسلمانان هنوز قوی‌اند و با پهلوانی و قدرت تمام طواف را بجا می‌آورند. و رمل و اضطباع بعد از زوال سبب نیز باقی مانده است بدلیل اینکه پیامبر خدا در حج خویش (بعد از فتح مکه و قدرت مسلمانان) رَمَل و اضطباع را ترک نکرد.

نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۴، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، زاد المعاد: ۲/۲۲۵.

و شخصی از ابن عمر رضی الله عنهما در باره ی استلام حجر الاسود سوال نمود. ابن عمر گفت: پیامبر را دیدم که حجرالاسود را در بغل گرفت و بوسید.

آن شخص گفت: اگر بیرو بار (شلوغ) زیاد بود و اگر مردم مرا زیردست و پا کردند، چکار کنم؟

ابن عمر رضی الله عنهما گفت: اگر اگر را به "یَمَن" بگذار، من رسول الله را دیدم که آن را در بغل گرفت و بوسید.^۲

عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما، امیر معاویه رضی الله عنه را دید که همه ارکان کعبه را استلام می نماید (دست می کشد). برایش گفت: چرا این دو رکن (رکن عراقی و رکن شامی) را استلام می کنی در حالیکه رسول خدا آن دو را استلام نمی نمود؟! معاویه گفت: هیچ قسمتی از خانه کعبه مهجور نیست! ابن عباس گفت: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی پیامبر خدا برای شما سرمشق و الگوی نیک است».

معاویه رضی الله عنه گفت: راست گفتی^۳ (و از قول خویش رجوع کرد).

طوری که ذکر نمودیم مثالهای زیادی از تربیت رسول خدا ﷺ بر صحابه کرام به چشم می خورد که آن حضرت بر وحدت مصدر تلقی و اتباع رسول تأکید فرموده است که در جاهای زیادی از صحابه می خواهد که بر نقش قدم او روان باشند و این حدیث را چند بار تکرار نمود: مناسک حج خود را از من یاد بگیرید، شاید پس از این در موسم حج من با شما نباشم^۴.

۱- سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۸۸۷.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۱.

۳- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۸۷۷.

۴- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷.

ب: تشویق مردم در خطبه روز عرفه بر چنگ زدن به وحی الهی، چرا که وحی تنها راه جلوگیری از گمراهی و کجروی است و در این مورد فرمود: در بین شما چیزی را گذاشتم که اگر به آن چنگ بزنید، هرگز بعد از آن گمراه نخواهید شد: آن کتاب الله (قرآن کریم) است.^۱

ج: بر حذر داشتن امت از پیروی خواهشات نفس و بدعت‌گذاری در دین، چنانچه در "عرفات" در حالیکه بر شترش سوار بود مردم را از بدعت‌گذاری در دین بر حذر داشت.^۲

د: تمرین عملی برای بعضی از صحابه در باره اعمال حج و چگونگی انجام دادن آنها و بر حذر داشتن صحابه از غلو در دین، چنانچه در حدیث ابن عباس آمده است: در صبح روز دهم ذوالحجه پیامبر خدا ﷺ در حالیکه بر ناقه خویش سوار بود، فرمود: برایم سنگ ریزه جمع کن. ابن عباس گفت: من برایش هفت سنگ ریزه جمع نمودم... و پس از آن مردم را از غلو در دین باز داشت و فرمود: غلو در دین امت‌های پیش از شما را هلاک نموده است.^۳

ه: آن حضرت ﷺ در هنگام رفت و آمد بین مشاعر مقدّسه، گاهی اسامه ابن زید رضی الله عنه (مشهور به حبّ رسول الله) و گاهی پسر کاکای (پسر عموی) خویش فضل ابن عباس رضی الله عنه را با خود سوار می‌نمود تا از نزدیک با پیامبر ﷺ باشند، مسایل را صحیح یاد گرفته و برای مردم برسانند.

از همین خاطر، صحابه وقتی که دیدند اسامه رضی الله عنه از "عرفات" تا "مزدلفه" پشت سر پیامبر سوار است، گفتند: دوست ما آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دهد برای ما خواهد گفت.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۵۷، مراجعه شود به: فتح الباری: ۳۹۳/۱۱.

۳- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

و آنگاه که مشاهده نمودند، رسول خدا ﷺ فضل را از "مزدلفه" تا "منی" با خود سوار نمود، گفتند: آنچه را که رسول الله انجام دهد، فضل برای ما خواهد گفت.^۱

و از بهترین مثال‌های که تربیت صحابه کرام توسط رسول خدا و اتباع صحابه از آن حضرت را نشان می‌دهد، این است که رسول خدا در ابتدا برای صحابه اختیار داد، آن‌عه‌ای که به همراه خویش "هدی" نیاورده اند، می‌توانند بعد از ادای عمره خود را حلال کنند و حتی با زنهای خویش نزدیکی نمایند، چنانکه ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: ... بعد از اینکه پیامبر ﷺ نماز صبح را خواند، فرمود: کسی که با خود "هدی" نیاورده است اگر خواسته باشد می‌تواند بعد از عمره خود را حلال نماید^۲ (و بعداً در روز هشتم برای حج دو باره احرام ببندد).

اما قبل از اسلام، مشرکان را عقیده بر این بود که عمره در ماههای حج روا نیست و این کار را از بدترین گناهها می‌دانستند.^۳

در این وقت پیامبر ﷺ متوجه شد که بعضی از مردم هنوز از رسم و رواج‌های زمانه جاهلیت متأثر هستند و نمی‌خواهند که از احرام بیرون شوند (در حالی که بعضی از صحابه کرام اظهار کرده بودند که شوق وافر به زنهای خویش پیدا کرده‌اند و می‌خواستند که از احرام بیرون شوند^۴).

رسول خدا ﷺ با مشاهده این حالات، بر صحابه کرام لازم گردانید که خود را حلال نمایند، تا باشد که رسم و رواج زمان جاهلیت که تا هنوز در ذهن بعضی از مردم باقی مانده است برای همیشه از بین برود و تنها دستورات خدا و رسول قابل

۱- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۱۸۶۱.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۴۰.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۶۴.

۴- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

اطاعت و فرمان برداری باشند... و صحابه کرام نیز اطاعت نمودند و وفاداری خویش را ثابت ساختند.^۱

و امروزه مشاهده می شود که خرافات در بین پیروان اسلام زیاد شده است و مردم در موسم حج و یا غیر از آن مرتکب بدعت های زیادی می شوند... و تنها راه بیرون شدن از بدعت ها و اصلاح مجدد، رو آوردن به سنت مطهر پیامبر گرامی اسلام است که در نتیجه رضای پروردگار و بهشت نصیب خواهد شد. و در مقابل دوری از سنت پیامبر و رو آوردن به بدعتها باعث هلاکت و داخل شدن به عذاب الهی است.

نبی مهربان ﷺ می فرمایند: همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسی که خودش نخواهد.

گفتند: یا رسول الله! کیست که نمی خواهد به بهشت داخل شود؟ فرمودند: کسی که از من اطاعت نمود، داخل جنت شد و کسی که از من نافرمانی نمود، خودش نخواسته است که به جنت داخل شود.^۲

۵- وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف

تحکیم وحدت ملی در بین مسلمانان و توحید صفوف آنها از مهم ترین اهداف و مقاصد اسلام است.

نصوص زیادی در قرآن و سنت اهمیت این موضوع را برای مسلمانها تذکر می دهد که متحد باشند و از اختلاف و افتراق اجتناب نمایند. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«وهرآئینه این است ملت شما، ملت یکتا و من پروردگار شمایم پس از من بترسید».

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۲۸۰.

و در حدیث آمده است: مؤمن برای مؤمن همانند بنیان است، بخشی از آن بخش دیگر را محکم نگه می‌دارد.^۱

و مراسم حج یکی از مهم‌ترین مظاهر وحدت امت اسلامی است چرا که در اثنای ادای این فریضه، اقشار مختلف از مسلمانان با زبانها و رنگ‌های مختلف از اطراف و اکناف عالم آمده و بخاطر هدف واحد جمع می‌شوند.

پیامبر ﷺ نیز این فرصت را غنیمت شمرده، اهمیت حفظ وحدت را برای دوستان خویش بیان داشته است.

مثال‌های تأکید آن حضرت بر حفظ وحدت امت اسلامی در موسم حج:

الف: مساوات در بین افراد امت و اینکه فضیلت و برتری تنها بر تقوی می‌باشد، جائیکه فرمود: پروردگارتان یکی می‌باشد و پدر شما یکی است، آگاه باشید! شخص عربی بر عجمی (غیرعرب)، و عجمی بر عربی فضیلت ندارد و نه هم سفید پوست بر سیاه پوست و نه سیاه پوست بر سفید پوست مگر به تقوی^۲ (خوف از خداوند).

ب: دستور آن حضرت به فرمان برداری و خیرخواهی برای ولاء امر (اولیای امور مسلمانها) تا وقتی که به قرآن کریم عمل نمایند، جائی که فرمود: اگر غلامی سیاه پوست بر شما حاکم مقرر شد، تا وقتی که به کتاب الله (قرآن کریم) عمل می‌نمود، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.^۳

ج: نهی شدید آن حضرت از آنچه که سبب افتراق در دین و باعث فتنه در مجتمع اسلامی شود مانند ریختن خون مسلمانها، چنانکه بعد از اینکه از مردم خواست تا ساکت شوند، فرمود: پس از من کافر نشوید که بعضی از شما گردنهای

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۴۴۶.

۲- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۳۵۳۶.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۸.

بعضی دیگر را بزند^۱.

پیامبر خدا ﷺ با استفاده از این اجتماع عظیم برخی از مسایل عمومی و اجتماعی را برای مسلمانها بیان نمود، مثل نهی شدید از بی پروائی در برابر خون، مال و آبروی دیگران؛ چنانکه در هر سه خطبه (خطبه عرفات، خطبه روز عید و خطبه ایام تشریق)، حضرت پیامبر ﷺ، صحابه کرام را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

خونها، مالها و آبروهای شما در بین شما حرام است مانند حرمت این روز در این ماه و در این شهر شما^۲.

و نهی از ظلم و گرفتن مال دیگران بدون رضایت آنها، جایی که فرمود: خبردار! ظلم نکنید (این جمله را سه بار تکرار نمود)، خوردن مال شخص مسلمان جایز نیست مگر با رضایت کامل آن شخص^۳.

و مانند باز داشتن از وصیت برای وارث: و در این مورد فرمود: خداوند متعال حق هر صاحب حق را برایش معلوم کرده است، پس روا نیست که کسی برای وارثین (بیش از مقداری که شریعت برای آنها تعیین نموده) وصیت نماید^۴.

و همچنین نهی از غیبت مسلمان و دست درازی به آبروی مؤمن: بطوری که وقتی از آن حضرت درباره تقدیم و تأخیر در اعمال روز نحر (روز عید قربان) سوال شد، فرمود: هیچ باکی ندارد، پروایی نیست مگر بر کسی که آبروی شخص مسلمان را بریزد، این حرج و هلاکت است^۵.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۲۱.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۴- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۲۱۸.

۵- سنن ابو داود، حدیث شماره: ۲۰۱۵.

و همین طور آن حضرت ﷺ امت خویش را از فتنه دجال بر حذر داشت و فرمود: هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه امت خود را از دجال ترسانده است، و پس از آن بعضی از نشانه‌های دجال را بیان نمود.^۱

۶- فرماندهی کامیاب

خداوند متعال، پیامبر خود را محبوبیت خاصی بخشیده بود، مهر و محبت آن حضرت در قلبها جای داشت و صحابه کرام که از اخلاق و رفتار آن حضرت نهایت متأثر شده بودند، می‌خواستند که همیشه در خدمت آن جناب باشند.

به همین دلیل وقتی که رسول خدا ﷺ اعلان حج نمود، بیش از یکصد هزارتن از مسلمانان به آرزوی اینکه از فیوضات و برکات نبوی مستفید شوند پروانه وار اطراف آن حضرت جمع شدند. هر کدام می‌خواست به او اقتدا کند، عمل آن حضرت را مشاهده کرده و مثل آن عمل نماید.^۲

این سفر مبارک بر صحابه کرام رضوان الله عنهم اجمعین تأثیر عمیق بر جا گذاشت و در تزکیه نفوس آنها نقش مهم و اساسی بازی نمود.

در این مبحث کوشش داریم تا جوانی هر چند مختصر از بر خورد و روش عالی آن حضرت با مشارکین حجة الوداع خدمت خوانندگان ارائه نماییم:

الف- اسوة حسنه: در قرآن کریم خداوند متعال کسانی را که به کاری امر می‌نمایند و خود آنرا انجام نمی‌دهند، مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾ كُبرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۴﴾﴾ [الصف: ۲-۳].

«ای مسلمانان چرا می‌گویید آنچه انجام نمی‌دهید؟ بسیار ناپسندیده است نزد

۱- برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۴۰۳.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

خدا آنکه بگوید چیزی را که نمی‌کنید!».

و شکی نیست که اخلاق آن حضرت قرآن بود^۱، و هر گاه که امت را به کاری امر می‌فرمود قبل از همه خودش آن کار را انجام می‌داد و اگر از چیزی نهی می‌کرد، خود قبل از همه آن چیز را ترک می‌نمود.

این اخلاق عالی و پسندیده پیامبر خدا ﷺ در مواقع زیادی از موسم حج بوضوح بنظر می‌رسد. بطور مثال:

در خطبه تاریخی حجة الوداع فرمود: آگاه باشید! تمام بقایای امور جاهلیت زیر پایم گذاشته شده است (هیچ ارزشی ندارد)، خون‌های زمانه جاهلیت گذاشته شده است و اولین خونی را که هدر اعلان می‌کنم (از خون‌های ما است) خون پسر ربیعہ ابن حارث است که در بنی سعد شیر می‌خورد و کسانی از قبیله هذیل او را کشتند. و سود زمان جاهلیت نیز گذاشته شده است و اولین سودی را که باطل اعلان می‌کنم، سود عباس ابن عبدالمطلب است^۲.

و از آن جمله: وقتی که صحابه کرام را تشویق به نیکی، اطاعت از پروردگار و خضوع در مقابل ذات پاک الهی می‌نمود، خود آن حضرت از همه بیشتر به الله متعال نزدیکی جسته و در مقابل او تعالی تضرع و کرنش نشان می‌داد^۳.

و از آن جمله: و آنگاه که اصحاب خویش را تشویق به بی رغبتی در دنیا و تعلق به آخرت می‌نمود^۴، خود با وسایل سفری که کهنه بود حج می‌کرد و قطیفه‌ای (پتو یا

۱- چنانکه سیده عایشه رضی الله عنها آن حضرت را وصف می‌کند، نگا: مسند امام حمد، حدیث‌های شماره: ۲۴۶۲۹، ۲۴۱۳۹، ۲۳۴۶۰.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳- نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱.

۴- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۶۱۷۳.

شال) داشت که ارزش آن به چهار درهم نمی‌رسید.^۱

و از آن جمله: وقتی که مردم را به آرامش و وقار در ادای "تُسُک" دعوت می‌نمود، خود با اطمینان تمام در حالی که سکون و آرامش کامل داشت از "مزدلفه" بطرف "منی" حرکت نمود.^۲

و از آن جمله: آنگاه که برای مردم بیان نمود که کم کردن موی و یا تراشیدن سر هر دو جایز است اما حلق (تراشیدن سر) فضیلت بیشتر دارد (و آن حضرت براکسانی که سرهای خود را تراشیدند دعای خیر نمود^۳)، خود آن جناب سر مبارک خویش را تراشید.^۴

خواننده گرامی! مهم این است که متوجّه باشیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ خویش را قدوه و اسوه حسنه برای صحابه کرام قرار داده بود تا اعمال و حرکات او را دیده و عملاً پیروی نمایند؛ چرا که پیامبر خدا برای کسانی که مسئول بالا کشیدن و توزیع آب بودند، فرمود: اگر ترس از این نمی‌بود که مردم بر سر کشیدن آب با شما منازعه کنند، من نیز با شما آب بالا می‌کشیدم.^۵

یعنی اینکه صحابه اگر ببینند که من آب بالا می‌کشم این عمل را سنت دانسته و به من اقتدا می‌کنند و هرکدام کوشش می‌نماید که آب بالا بکشد و شما را نمی‌گذارند تا به راحتی به وظیفه خویش ادامه دهید.

پس چه خوبست که دعوتگران امت اسلامی به پیامبر بزرگ و امام خود اقتدا

۱- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

۲- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۶.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۷۲۷، ۱۷۲۸.

۴- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۷۲۹. و در همین حدیث آمده است که بعضی از صحابه کرام موهای خویش را کم نمودند.

۵- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

نمایند، خویشان را قدوه حسنه و اسوه نیکو برای سایر برادران‌شان بگردانند... در امور خیر از همه جلو تر و از منهیات دور باشند.

ب- امر به معروف و نهی از منکر: امر نمودن به کارهای پسندیده و باز داشتن از کارهای بد، محور شریعت اسلامی و وظیفه اصلی پیامبران الهی و دعوتگران می‌باشد؛ که اگر این شعیره ترک شود جهالت و گمراهی به اوج خویش رسیده و اصلاح، دینداری و همدردی کمرنگ می‌شود.^۱

و اگر سامعین و مخاطبین قبول نکنند، باز هم وظیفه عالم و داعی اینست که پیغام حق را برساند و هدایت به دست پروردگار است، چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القصص: ۵۶].

«(ای محمد!) هر آینه هر که را تو دوست می‌داری هدایت نمی‌نمایی و لیکن خدا

هر که را خواهد هدایت می‌نماید و او به راه یافتگان داناتر است».

و اگر به زندگی با برکت پیامبر خدا ﷺ دقت و فکر نماییم، درمیابیم که آن حضرت حیات خویش را به بیان کارهای پسندیده و تشویق به آن، و نهی از کارهای زشت و مغایر با کرامت انسانی و اخلاق اسلامی سپری نموده است.

طبیعی است که آن حضرت در موسم حج نیز بر همین منوال بوده بلکه فرصت را غنیمت شمرده و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را با اهمیت بیشتری برای صحابه و دوستان خویش بیان داشته است، که به ذکر چند مثال در اینجا اکتفا می‌کنیم:

۱- ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند: پیامبر ﷺ شنید که شخصی در هنگام احرام بستن گفت: لَبَّیک از طرف "شُبرمه" (گویا که می‌خواست از طرف شبرمه حج کند). آن حضرت سوال کرد: شبرمه کیست؟ شخص جواب داد که برادر من است.

پیامبر ﷺ فرمود: آیا برای خود حج کرده‌ای؟! آن شخص جواب داد: نه! پیامبر برایش فرمود: اول از طرف خود حج ادا کرده و بعد از آن برای شُبرمه حج کن.^۱

۲- خشم و غضب آن حضرت بر کسانی که قربانی همراه خویش نیاورده بودند و با وجود این هم نمی‌خواستند از احرام بدر آیند^۲، که برایشان فرمود: پس خود را حلال نمایید! (از احرام بیرون شوید)، صحابه کرام به سرعت اطاعت امر کرده و از احرام بیرون شدند.^۳

۳- در اثنای طواف بیت الله الحرام شخصی را دید که دست شخص دیگری را با نخ (یا مشابه آن) به دست خویش بسته بود، پیامبر ﷺ آن نخ را قطع نمود و برایش فرمود: از دستش بگیر.^۴

۴- انکار عملی آن حضرت بر فضل ابن عباس آنگاه که دختر جوانی از قبیله "ختعم" را نگاه می‌کرد، به طوریکه در حدیث ابن عباس ﷺ آمده است: فضل ابن عباس پشت سر پیامبر سوار بود (و فضل جوان خوش سیما، سفید پوست و با موهای جذاب بود) که زنی از قبیله ختعم آمد و از پیامبر سوال می‌کرد، در این هنگام فضل به آن زن نگاه می‌کرد و او نیز فضل را زیر نظر داشت. پیامبر چهره فضل را بطرف دیگر گرداند...^۵ و در این عصر که جهل و نادانی در بین حجاج بیشتر شده است و اکثراً ناخواسته و بدون اینکه نیت بدی داشته باشند در گناه و یا حرام واقع می‌شوند؛ بر علمای اسلام لازم است که با قدرت و شهامت هر چه بیشتر مسایل دینی را برای عوام بفهمانند. و چه خوبست برای فرد مؤمن در مسایلی که می‌داند و علم دارد، راهنمای برادر مسلمان خویش باشد.

۱- سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۸۱۱.

۲- نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۲۰.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۸۵۵.

ج- تواضع و فروتنی آن حضرت: تواضع از جمله صفتهای بسیار پسندیده، و در حقیقت وقار، عزّت و کرامت برای آن شخص می‌باشد.

خداوند متعال بنده متواضع خویش را بلند برده و قدر و منزلت می‌بخشد. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: کسی که به خاطر خدا تواضع کند، خداوند او را بلند می‌برد^۱ (منزلت و رفعت می‌دهد).

و همچنین پروردگار بزرگ، پیامبر خویش را به فروتنی امر می‌نماید و می‌فرماید:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵].

«و پایین کن بال (محبت و مودت) خود را برای آنان که پیروی تو کردند از مسلمانان (یعنی تواضع کن)».

و پیامبر ﷺ نیز دستور پروردگار خویش را اطاعت می‌فرماید، و در تواضع به جایی می‌رسد که هیچ یک از بندگان امکان رسیدن به آن مقام را ندارد.

آن حضرت کارهای شخصی اش را خود انجام می‌داد، برای اهل بیت و خانواده خویش خدمت می‌نمود، کفش و لباس خویش را می‌دوخت، بز خویش را بدست مبارک خود می‌دوشید، اسباب و کالای خویش را خود بدوش می‌کشید، اطفال را سلام می‌کرد و با آنها بازی می‌نمود و خلاصه اینکه از بقیه اصحاب خویش تمایز نداشت، سیاه و سفید و یا ثروتمند و فقیر اگر او را دعوت به مهمانی می‌نمود دعوت او را می‌پذیرفت^۲.

و گاهی می‌شد که کنیز سیاه پوست خدمت آن حضرت آمده و هر جا که می‌خواست ایشان را با خود می‌برد^۳.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۸۸.

۲- به طور مثال به: صحیح بخاری، حدیثهای شماره: ۶۷۶، ۶۰۷۲، ۶۲۴۷ مراجعه شود.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۰۷۲.

باوجود این همه، اَمّت را از غلو در باره شخصیت مبارک خویش سخت منع می‌فرمود که او را از مقامی که خداوند به او داده بالا تر نبرند، چنانکه فرمود:

درباره من غلو نکنید چنانکه مسیحیان در باره عیسی علیه السلام غلو نمودند، من بنده خدا هستم و بگوئید: بنده خدا و فرستاده خدا.^۱

و در موسم حج نیز تواضع آن حضرت در مواضع متعدّد بوضوح به چشم می‌خورد:

۱- با اسباب و وسایل کهنه سفر و قطیفه ای که بیش از چهار درهم ارزش نداشت، حج کرده است.^۲

۲- آن حضرت ﷺ نمی‌خواست از بقیه مردم تمایز داشته باشد، و چون عباس ابن عبدالمطلب رضی الله عنه برایشان به طور خصوصی آب آورد، فرمود: من به این آب ضرورت ندارم از آبی که سایر مردم می‌نوشند برای من نیز بدهید.^۳

۳- اسامه ابن زید رضی الله عنه را که غلام آزاد شده ای بود از "عرفه" تا "مزدلفه" به پشت سر خویش سوار نمود، در حالیکه همه مردم او را می‌دیدند.^۴

۴- برای زنی از عامه مسلمانها ایستاد و به سوال‌های آن زن گوش فرا داده و بعد از آن پاسخ ارائه فرمود.^۵

۵- هر یک از مسلمانها به راحتی می‌توانست که خدمت آن حضرت حاضر شده و مشکل خویش را مطرح کند و یا ملاقات نماید؛ بدون اینکه دروازه بان، حاجب و یا پهره دار وجود داشته باشد.^۶

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۴۴۵.

۲- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

۳- نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۵- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۶- نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۴.

۶- آن حضرت در روز قربانی شصت و سه شتر با دست مبارک خویش قربانی نمود این کار را برای خویش مشکل و یا کسر شأن ندانست، با وجود اینکه می توانست از طرف خود نائب بگیرد^۱.

و خلاصه کلام این که با تواضع و مهربانی، رسول خدا ﷺ دل های مردم را بسوی خویش جلب نمود به طوریکه همه به او عشق می ورزیدند و حاضر بودند خویشتن را فدای آن حضرت نمایند...

و همین طور شایسته است که طلبه علم و داعیان راه حق با تأسی از پیامبر بزرگوار خویش در مقابل مسلمانان و خصوصاً سالخوردگان، زنان و اطفال تواضع و مهربانی نشان داده، مساعد و معاون آنان باشند تا اعتماد حجاج و زائرین را جلب نمایند که در نتیجه رضای خداوند را بدست بیاورند و دعوت شان مورد قبول واقع گردد.

د- رحمة للعالمین: جای هیچ گونه شک و شبهه ای نیست که اسلام دین رحمت بوده و شریعت اسلامی مبنی بر شفقت و عاطفه است و حضرت محمد ﷺ نیز از طرف خداوند بزرگ رحمت فرستاده شده است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

«و تو را جز مایه مهربانی برای جهانیان نفرستاده ایم».

آن حضرت ﷺ می فرماید: من محمد هستم ... من پیامبر توبه و پیامبر رحمت می باشم^۲.

پیامبر بزرگوار اسلام در طول زندگی مبارک خویش برای مردم رثوف و رحیم بود. روایات زیادی از صحابه کرام آمده است که شمول رحمت آن جناب و شفقت و

۱- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۵۵.

مهربانی اش را وصف می کنند^۱.

و در حج مثال‌های زیادی است که رحمت آن حضرت را به نمایش می‌گذارد:

۱- دستور اکید آن حضرت به آن‌ده از صحابه که "هدی" با خود همراه نداشتند بر اینکه خود را حلال نمایند^۲ که در نتیجه همبستری با زنان، پوشیدن لباس و استعمال خوشبوئی را برای آنها نوید می‌داد؛ پیامبر خدا این دستور را از روی رحمت و شفقت که بر صحابه خویش داشت صادر نمود.

۲- جمع بین نمازهای ظهر و عصر در "عرفات"^۳، و تأخیر نماز مغرب تا وقت رسیدن به "مزدلفه"، تا حجاج دچار مشقت و سختی نشوند^۴.

۳- آن حضرت برای ضعیفان و سالخوردگان اجازه داد شب هنگام پیش از بقیه مردم از "مزدلفه" خارج شوند تا به "منی" زود تر رسیده و اعمال روز نحر (روز دهم) را قبل از ازدحام و هجوم حجاج انجام دهند^۵.

۴- آسان‌گیری با حجاج در تأخیر و تقدیم اعمال روز دهم (عید قربان) که در جواب سوال آنها می‌فرمود: «افعل ولا حرج» یعنی انجام بده و هیچ باکی ندارد^۶.

۵- آن حضرت برای آن‌ده از اصحاب که در مکه کارهای ضروری داشتند (و از آن جمله برای عباس رضی الله عنه که وظیفه سقایة الحاج را به عهده داشت) اجازه داد تا شبهای "منی" را در مکه بخوابند^۷. و برای ساربانان (شترچرانان) اجازه داد که رمی

۱- بطور نمونه مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۲۸، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۱۶.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۱۳۱، ۱۲۱۳.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۳۶.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۶۷.

۶- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳.

۷- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۵.

دو روز بعد از روز نحر را در یک روز بزنند.^۱

۶- رسول خدا برای کسانی که حج بر آنها فرض شده بود و خود شان نمی توانستند

حج انجام دهند، اجازه داد تا اشخاص دیگری به نیابت از آنها حج نمایند.^۲

۷- گاهی وقت آن حضرت بخاطر شفقت و رحمت بر مردم فعل افضل را ترک نموده و

به قدر جایز اکتفا می نمود؛ بطور مثال: "طواف" و "سعی" را سواره انجام داد در

حالی که مشی (با پای رفتن) بهتر است و این عمل را بخاطر این انجام داد که

صحابه کرام آن حضرت را ببینند و مسایل خویش را به راحتی استفسار نمایند.^۳

۸- مهربانی و شفقت خاص برای مریضها و عیادت آنها و دستور آن حضرت که آنچه

برایشان آسان تر است همان را انجام دهند.^۴

پس کسی که می خواهد مورد رحمت پروردگار قرار گیرد، در مراسم حج که

موقع نزول رحمت و برکات خداوندی است، ضعیفان، مریضها و سالخوردگان را

مورد عنایت و شفقت خویش قرار دهد.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید: کسی که رحم نکند مورد رحمت قرار نمی گیرد.^۵

و می فرماید: رحمت و شفقت برداشته نمی شود مگر از بد بخت.^۶

ه- احسان و نیکی با مردم: آنگاه که نفس انسانی در مقابل دنیا و آن زهد و از خود

گذشتگی نشان دهد، نیکی و احسان با مردم برایش آسان شده و عادی بنظر می رسد.

خداوند بزرگ می فرماید:

۱- نگاه: جامع ترمذی، حدیث شماره: ۹۶۸.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۲۱۷.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۹۹، ۴۸۵۳، ۵۸۹۶.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۹۹۷، و به این معنی حدیث های شماره: ۷۳۷۶، ۱۵۸۴.

۶- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۱۹۲۳.

﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

«به شیوه‌ای که بهتر است پاسخ بده پس ناگاه آن کس که میان تو و میان وی دشمنی است گویا وی دوست صمیمی است».

طوری که از آیه کریمه به صراحت دانسته می‌شود احسان نمودن با مردم می‌تواند دشمنی را به دوستی تبدیل نموده و احیاناً اگر کدورت و ناراحتی وجود داشته باشد، محبت و مودت را جاگزین آن سازد.

و اگر در زندگی پیامبر خدا ﷺ دقت نماییم، در می‌ایم که از یک طرف در کمال زهد و بی‌رغبتی در امور دنیا زندگی گذرانده، چنانچه روزها می‌گذشت و در خانه آن حضرت آتش روشن نمی‌شد و غذای آن حضرت و اهل بیتش آب و خرما بود^۱ و از جانب دیگر سخاوتمندترین انسانی بود که تاریخ بیاد دارد^۲ و طوری عطا و بخشش می‌نمود مثل کسی که اصلاً از فقر نترسد^۳. و می‌فرمود:

اگر به اندازه کوه «أُحُد» مال می‌داشتم، دوست داشتم که قبل از این که سه روز بگذرد همه را در راه خدا انفاق نمایم، مگر مقداری که برای قرض نگه دارم^۴.

و در موسم حج احسان آن حضرت ﷺ با امت به اوج خویش می‌رسد، به طوریکه در هر لحظه احسان و نیکی پیامبر خدا ﷺ مبرهن است.

بطور مثال چند نمونه را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱- یک روز کامل در "ذوالحلیفه" (میقات اهل مدینه) انتظار می‌نماید تا هر که اراده

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۶۷.

۲- نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶.

۳- نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۱۲.

۴- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۱۲.

حج دارد به آن حضرت پیوندند^۱.

۲- در روز نحر (روز عید قربان) صد شتر قربانی کرد و گوشت و پوست همه را در بین مستمندان تقسیم نمود^۲ و به علاوه از آن در جاهای متعدّد صدقه تقسیم نمود^۳.

۳- احسان خاص با "اسامه ابن زید" و "فضل ابن عباس" که آنها را در اثنای تنقل بین "عرفه"، "مزدلفه" و "منی" پشت سر خویش سوار نمود^۴.

۴- وصیت و سفارش خاص در خطبه‌ها در مورد ضعیفان^۵ و تعلیم و تربیت آنها و رفق با ایشان^۶.

۵- حرص آن حضرت بر نجات امت و قبول طاعت و عبادت آنها به درگاه الهی، و آن گاه که یکی از اصحاب از آن حضرت دعا خواست برای کافه امت مسلمان دعا فرمود: خداوند همه شما را پیامزد^۷.

۶- حرص آن حضرت که اصحاب خویش را از فتنه و مواضع تهمت دور نگه دارد، بطور مثال:

دو تن از صحابه کرام نماز را در کاروان‌های خود خوانده و بعداً به مسجد "خیف" آمدند و پیامبر خدا با صحابه کرام نماز جماعت را ادا می‌نمودند و آن دو صحابی به گوشه مسجد نشستند و در جماعت شرکت نکردند، بعد از نماز پیامبر خدا به آنها گفت: این کار را نکنید اگر نماز را خوانده بودید و به مسجد آمدید و مشاهده نمودید که جماعت بر پا است، با جماعت نماز بگذارید، این نماز برای شما نفل بشمار می‌رود^۸.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۷.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۷۹.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۵- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۶- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۸۵۳، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۷- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۵۹۷۲.

۸- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۱۹.

۷- حرص شدید آن حضرت بر اینکه همه صحابه کرام و مشارکین مراسم حج خطبه‌ها و سخنرانی‌های آن حضرت را بطور احسن درک کنند و آن حضرت دین را برای آنها بطور کامل برساند.^۱

پس اگر کسی خواستار رضای الهی و بدست آوردن فضل پروردگار است، به اخلاق و کردار رسول خدا این اسوه حسنه اقتدا نماید و آنچه از علم، مال و ثروت دارد از نیاز مندان باز ندارد.

خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«و نیکو کاری کنید هر آینه خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد».

و- صبر و شکیانی

صبر: زادِ راه متقیان، توشه دعوتگران، دروازه کامیابی و از بهترین اعمال خیر است که بدون از آن به فتح و ظفر نمی‌توان رسید، امامت بغیر از آن به دست نیامده و قیادت امکان پذیر نیست، و بزرگان امت این امر را بخوبی درک نموده بودند.

عمر فاروق رضی الله عنه می‌فرماید: بهترین زندگی خویش را به صبر یافتیم.^۲

و علی رضی الله عنه فرموده است: صبر، سواری است که هرگز به زمین نمی‌خورد.^۳

پیامبر خدا ﷺ در موسم حج قبل از همه بنده مطیع و فرمان بردار بود و کوشش می‌نمود که در حین ادای نسک کمال تذلل و انکسار را در مقابل پروردگار خویش به نمایش بگذارد ... و در عین حال آن حضرت قاید، سردار و رهبر اجتماع اسلامی و مسئول وحدت و رمز یک پارچگی آنان بود ... به طوری که وظیفه تعلیم و ارشاد آن

۱- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

۲- صحیح بخاری، ص: ۱۱۲۲.

۳- مدارج السالکین: ۱۲۸/۲.

توده‌های عظیم انسانی از رنگها و زبان‌های مختلف را بعهده داشت... و به علاوه آن ادای مناسک حج در آن زمان که امکانات و رفاه امروزی وجود نداشت خالی از مشکلات نبود، خصوصا اینکه مسئولیت سرپرستی نه همسر پیامبر همراه با ضعیفان فامیل نیز بر عهده آن حضرت بود.

و با وجود همه این مشکلات تعداد مشارکین مراسم حج زیاد بوده و آنها از اقوام، شهرها و قبایل مختلف بودند که سال‌های متمادی با هم رزمیده‌اند، و تعداد زیادی از آنها تازه اسلام را قبول کرده بودند و هنوز روح اسلام در آنها خوب راسخ نشده بود... وقتی که همه این حالات را با هم تصوّر نمائیم، درمیابیم که صبر آن حضرت چقدر زیاد بوده است و چه اندازه مشقّت و سختی تحمّل نمود تا مراسم حج به آرامی و موفقیت سپری شد و تا ابد درس وحدت و شفقت، صبر و از خود گذشتگی، ایثار و مهربانی و تعلیم تعلّم را برای مسلمانان به یادگار گذاشت.

ز- رفق و نرمی

نصوص زیادی در قرآن و سنت وجود دارد که رفق و اهمیت آن را در زندگی مسلمان، برای ما بیان می‌دارد.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌فرماید: هر امری که رفق در آن باشد، آن امر را زینت می‌بخشد و از هر کاری که رفق برداشته شد آن کار زشت (بی‌برکت) می‌شود.^۱
و می‌فرماید: کسی که از رفق محروم شد از همه خیر محروم شده است.^۲
رفق و نرمی در کارها، علامت دانائی و نشانه حکمت شخص است که محبّت و دوستی را زیاد نموده و در زندگی نتایج بسیار مثبتی به بار می‌آورد.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۹۴.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۹۲، و مشابیه همین حدیث در: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۰۲۴.

۳- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۶۰۸۷.

سفر قطعه‌ای از عذاب می‌باشد و فرمود: وقتی که یکی از شما حج خویش را ادا نمود، هر چه زودتر بسوی اهل خود برگردد که ثواب بیشتری دارد^۱.

و شما ای برادر عزیز! که مسئولیت عظیم دعوت را بدوش داری، توجّه داشته باش! که تعداد زیادی از حجاج محترم مناسک حج را بدرستی نمی‌توانند بجا بیاورند و شدیداً احتیاج دارند تا کسی در تعلیم، توجیه، نصیحت و سرپرستی آنها از رفق و نرمی کار گرفته و مسایل را بخوبی به آنها بفهماند. پس با حجاج همچون برادر مهربان، معلم مشفق و دوست صمیمی بر خورد نموده و از سختی و درشتی در صحبت و غضب اجتناب نما، و آسان‌ترین و بهترین را برای آنها انتخاب کن.

فصل چهارم

جوانب دیگری از قیادت آن حضرت در

موسم حج

نظم و اداره

رعایت حقوق دیگران

تشویق گروههای داوطلب

محبت و مودت

متانت و زیبایی

فصل چهارم

جوانب دیگری از قیادت آن حضرت در موسم حج

پیامبر خدا در موسم حج تدابیر زیادی به کار گرفت که اثر واضح در کامیابی قیادت آن حضرت داشت و باعث شد مردم، اوامری که از جانب آن حضرت صادر می شد اطاعت نموده و از دل و جان قبول نمایند؛ از آنجمله:

۱- نظم و اداره

پیامبر ﷺ مردم را در منی منظم و مرتب ساختند و هر گروه را در منزل معین جای دادند؛ چنانچه عبدالرحمن ابن معاذ رضی الله عنه از یکی از اصحاب آن حضرت روایت می کند که گفت: رسول خدا در منی برای مردم خطبه خوانده، منازل آنها را معین نموده و فرمودند: مهاجرین در آنجا، جایگزین شوند (و بطرف راست قبله اشاره کرد)، انصار در آن مکان قرار بگیرند (و به سمت چپ اشاره نمود) و بقیه مردم اطراف آنها مسکن داشته باشند^۱.

۲- رعایت حقوق دیگران

آن حضرت سعی زیاد برای حفظ حقوق دیگران به خرج داده و کوشش می نمودند که بطور کلی از ضایع حقوق دیگران جلوگیری نمایند؛ چنانکه عایشه رضی الله عنها

۱- سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۹۵۱.

خواست برای خویش سایه بانی در " منی " بسازد، پیامبر ﷺ برایش اجازه ندادند و فرمودند: منی جای هر شخصی است که در آن زودتر جا بگیرد^۱.

و در این زمان با کمال تأسف مشاهده می‌نمائیم که عده ای دنیا دوست (از جمله مسئولین بعضی شرکت‌های خصوصی و بعضی حجاج که خود را در مقابل خداوند بزرگ مسئول نمیدانند)، با کمال وقاحت حقوق حجاج را ضایع نموده و با تصرفهای بی جا و غیر قانونی اجرای اعمال حج را برای مهمانان پروردگار دشوارتر می‌نمایند.

البته بیشتر مشکلات و نابسامانیهای که حجاج - خصوصاً - در منی با آن روبرو می‌شوند نتیجه ضعف در برنامه ریزی و منظم ساختن حجاج است که علاوه بر آن بعضی از حجاج قوانین و ضوابط موجوده را نیز بخاطر مصالح فردی خویش نادیده گرفته و در نتیجه ازدحام شدید رخ میدهد که گاهی منجر به تلف شدن و مجروح شدن برخی از آنها میگردد.

۳- تشویق گروههای داو طلب

پیامبر خدا ﷺ، بازوهای را که در خدمت مردم مشغول به کار بودند تشویق و تحریض می‌نمود. و برای آنها بعضی تسهیلات را نیز در نظر گرفت، چنانکه برای عباس رضی الله عنه اجازه داد که شبهای منی را در مکه بخوابد زیرا که عباس برای مردم آب میداد^۲.

و برای آن‌عده افرادی که مشغول آب دادن حجاج بودند، فرمود: مشغول باشید؛ شما در حال انجام دادن کار نیکی هستید^۳.

۱- جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۱، مستدرک حاکم ۱/۶۳۸.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۴.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

۴- ترک سرزنش خطاکار

هر گاه یکی از صحابه کرام در خطا و یا اشتباهی واقع میشد، پیامبر خدا ﷺ با آن شخص سختی و یا درشت خوئی نمی‌کرد؛ بلکه آن حضرت کوشش می‌نمود که مفهوم خطا را در ذهن شخص خطاکار تصحیح نماید تا آن شخص ارشاد شده و داوطلبانه دست از خطا بکشد که در این صورت چون به رغبت خویش خطا را ترک نموده دیگر کمتر به سراغ آن می‌رود.

و تجربه ثابت ساخته که اگر شخص خطاکار با اجبار و تعنیف از خطای خویش دست بکشد، چه بسا که مترصد باشد تا اگر فرصتی پیش آید به اعمال زشت و ناشایسته خویش و لو پنهانی ادامه دهد.

و رسول خدا نیز در موسم حج، خطاکار را ارشاد می‌نمود و سرزنش نمی‌کرد. بطور مثال:

آنگاه که دو تن از صحابه در کاروان‌های خویش نماز خوانده و بعداً نزد پیامبر آمدند - و در این حال پیامبر و مسلمانها با جماعت نماز ادا می‌نمودند - و آن دو صحابی چون قبلاً نماز خوانده بودند، لهذا در جماعت مسلمانها شریک نشده و در گوشه ای نشستند.

پیامبر ﷺ چون از موضوع اطلاع یافت، آندو شخص را سرزنش و عتاب نفرموده بلکه برایشان فهماند که آنچه اولی است آنرا انجام داده و خویشان را از موضع تهمت دور نگه دارند.^۱

۵- محبت و مودت

پیامبر بزرگوار اسلام با نرمی، اخلاق عالی، چهره گشاده و قلب مهربان مردم را بحضور می‌پذیرفت. بیشتر اوقات تبسم بر لب‌های مبارک ایشان جای داشت و با اصحاب خویش مزاح می‌فرمود و خوشی و سرور را به قلبهای ایشان داخل می‌کرد.^۱ عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که: ما، چند تن از نوجوانان بنوعبدالمطلب سوار بر خرها از مزدلفه بطرف منی آمدیم، رسول خدا با دست مبارک خویش آرام بر رانهای ما میزد و می‌فرمود: فرزندانم! قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید.^۲

۶- متانت و زیبایی

رسول خدا در کنار اینکه اخلاق و رفتار عالی داشت به ظاهر خویش نیز رسیدگی می‌نمود و همیشه هیئت زیبا و ظاهری نیکو داشت و این زیبایی و حسن منظر را در وقت حج نیز بطور خاصی رعایت فرمود؛ چنانکه به موی سر خویش اهتمام نموده و سر خویش را تلبد نمود.^۳

و قبل از اینکه احرام ببندد و بعد از اینکه از احرام خارج شد، بهترین عطر و خوشبوئی را که در اختیار داشت استعمال کرد.^۴

و همچنین در وقت احرام بستن^۵ و پیش از اینکه به "مکه مکرمه" داخل شود غسل نمود^۶ تا گرد و غبار سفر را از خویشتن زدوده باشد.

و هم چنین با وقار و متانت خاصی اعمال حج را بجا آورد^۱ که ابهت، جلال و عظمت آن حضرت را چند برابر نشان می‌داد؛ چنانکه حارث ابن عمرو السهمی رضی الله عنه

۱- مراجعه شود به: مختصر شمائل ترمذی، احادیث شماره: ۲۰۰-۲۰۵.

۲- سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۵.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۳۹۸.

۴- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۹.

۵- نگاه: جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۳۰.

۶- نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۵۹.

در خاطرات حج خویش می‌فرماید: ... به نزد آن حضرت ﷺ رسیدم، در حالیکه در منی یا عرفات بود، مردم اطراف او حلقه زده بودند، صحرا نشینان (کوچیان) می‌آمدند و چون چهره انور آن حضرت را می‌دیدند می‌گفتند: این چهره نهایت مبارکی است.^۲

و برای برادر دعوتگر که قدوه ای چون پیامبر بزرگ اسلام دارد، لازم است که به ظاهر خویش اهتمام نموده و هیئت نیکو و زیبا داشته باشد ... حشمت و وقار خود را حفظ کند و با متانت و ظاهر آراسته با مردم برخورد نماید که در نتیجه، محبت و ابهت او در قلبها جا می‌گیرد و مردم از هر طرف به او روی آورده و دعوت او را می‌پذیرند.

۱- سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

۲- سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۴۲، و صحیح سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۵۳۲.

خاتمه

خواننده گرامی! گوشه‌های از احوال پیامبر ﷺ در حج، و چگونگی قیادت امت در این فریضه الهی و تعامل آن حضرت با اهل بیت و اقارب، صحابه کرام و آحاد مردم خدمتتان ذکر شد.

وهمین طور این سفر مبارک به پایان رسید و آنچه برای ما باقی می‌ماند و باید آن را گرفته و از جان و دل بدان عمل کنیم، اطاعت و اتباع آن حضرت می‌باشد که گفته و فرمان پیامبر را بر گفته هر شخص دیگری مقدم نمائیم.

و آنان که می‌خواهند سرچشمه نور و هدایت بوده و قیادت امت اسلامی را به دست بگیرند، یقین کامل داشته باشند که کامیابی و موفقیت در پیروی گفتار، اخلاق و عملکرد آن حضرت ﷺ نهفته می‌باشد.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

فهرست بعضی از مراجع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- صحیح بخاری.
- ۳- صحیح مسلم.
- ۴- جامع ترمذی.
- ۵- سنن ابو داود.
- ۶- سنن نسائی.
- ۷- سنن ابن ماجه.
- ۸- مسند امام احمد.
- ۹- صحیح ابن خزیمه.
- ۷- السنن الکبری للبیہقی.
- ۸- زاد المعاد من هدی خیر العباد.
- ۹- الجامع لأحكام القرآن.
- ۱۰- فتح القدير از کمال ابن همام حنفی.
- ۱۱- إعلاء السنن از ظفر احمد عثمانی.
- ۱۲- الکاشف للذهبی.
- ۱۳- تقریب التهذیب از حافظ ابن حجر.
- ۱۴- الإبانة الکبری از حافظ ابن بطه.
- ۱۵- مدارج السالکین از حافظ ابن قیم.
- ۱۶- سیر أعلام النبلاء.

۱۷- السّيرة النبویة.

۱۸- فتح الباری.

۱۹- البداية والنهاية.